

نفتگران مبارز می گویند:

مبارزه با امپریالیسم یعنی

افشاء و لغو قرارداد های استعماری

صدور نفت به کشورهای نژادپرست و تجاوز کار اسرائیل، آفریقای جنوبی، رودزیا، آفشای قرارداد های تنگین کنسرسیوم بین المللی نفت و پاکسازی بقیه در صفحه ۱۰

ضد امپریالیستی خلق های میهن ما باشند. آنها همچون گذشته به رسالت تاریخی خود در به ثمر رسانیدن قسمتی از اهداف فوری انقلاب، یعنی طرد کارشناسان رنگارنگ دول امپریالیستی - قطع

مبارزات ضد امپریالیستی خلق های میهنان روح تازه ای یافته است و بدون شک نفتگران فهردان ایران به پشتوانه سابقه درخشان مبارزاتی گذشته شان می توانند و باید پیر چمدان مبارزه

نظری بر صف آرایی های جهانی

دوستان و دشمنان جنبش ضد امپریالیستی - دموکراتیک

خلق های ایران و جهان

لیبرالها و فئودالهای مرتجع در میان با اختیار تماس می گیرند و سازماندهی می شوند حکومت فاشیستی عراق علیه مردم - توطئه می کند

نمونه هایی مانند کوبا و ویتنام قهرمان جستجو شود. فشار اقتصادی آمریکا، با بلوکه کردن (مسدود کردن) پاراگرافی های بقیه در صفحه ۸

استراتژی امپریالیسم آمریکا تنها با سازماندهی اقتصاد کشور بر اساس "نیاز توده ها" و "قدرت توده های" درهم شکسته می شود. و این امر، آنچنانکه قبلا نیز یادگور کردیم باید در

تسخیر سفارت آمریکا در تهران و پی آمدهای آن، در عرصه جهانی بازتاب وسیع داشته است. مادر "کار" شماره ۳۶ صف آرایی نیروهای درون حاکمیت را مرور کردیم و در این شماره انعکاس تسخیر سفارت آمریکا در عرصه جهانی، موضع گیری جریان های امپریالیستی و حکومت های دست نشانده امپریالیسم از یک سو و جنبه گیری نیروهای ترقی خواه را در برابر آن از سوی دیگر مرور خواهیم کرد.

در این شماره:

مبارزه ضد امپریالیستی

وسایست ضد انقلابی شورای انقلاب

در صفحه ۴

اعدام بهروز بهروز نیا "اسرائیلی کُرد را"

محکوم میکنیم

بقیه در صفحه ۲

تعدادی از پرسنل انقلابی ارتش

تحت عنوان با صطلاح پاکسازی اخراج شده اند

در صفحه ۹

انقلاب کیست؟

به منزله آغاز و مقدمه انقلابات پرولتری سراسر جهان

لنین از فوریه تا اکتبر

در صفحه ۳

قسمت آخر

گفتگوی کوتاهی با یکی از رفقای سازمان

«ارتش آزاد بخش خلق ترکیه»

(اتحاد مبارزه)

در صفحه ۶

قسمت آخر

محافل ارتجاعی نزدیک به شورای انقلاب

و مذاکرات صلح در کردستان

به دنبال ایجاد محیط سیاسی مساعد برای حل تفاهم آمیز مسائل کردستان، هیئت نمایندگی خلق کرد همواره با تلاش های جنگ طلبانه محافل ارتجاعی روبرو بوده است.

این محافل می کوشند به محیط تفاهمی که به وجود آمده، آسب رسانند و سیاست جنگ طلبانه خود را به پیش رانند. آنان در عین حال سعی دارند که در صفوف نیروهای مترقی منطقه شکاف اندازند و جنبش مقاومت خلق کرد را تضعیف کنند. تلاش این محافل همیشه از سوی خلق کرد و هیئت نمایندگی آن محکوم و افشاء شده است. چنانکه سخنان جنگ طلبانه و تفرقه افکنانه آیت الله منتظری امام جمعه تهران و هاشم صباغیان عضو هیئت نمایندگی دولت مورد اعتراض وسیع و سرتاسری خلق کرد قرار گرفت.

اخیرا موج تبلیغات "ضد صلح" این محافل بسااا گرفته است. مصاحبه ها و گفتارهای رادیویی - تلویزیونی، مقالات روزنامه های رسمی و نیمه رسمی وابسته به شورای انقلاب، هر کدام به گونه ای سیاست "ضد صلح" را اشاعه می دهند.

آنچه که در این تبلیغات بطور برجسته ای خود نمائی می کند، بی اعتنائی این محافل به خواست توده های ملیونی کرد و نادیده گرفتن حقایق مربوط به کردستان است. کوردلی و تنگ نظری که معمول منافع طبقاتی حقیر اینان است، چشمشان را بر روی واقعیات بسته است.

این دسته تصور می کنند که با تحریف حقایق و تحمیل نظرات و باورهای خود قادر خواهند بود توده های ملیونی کرد را که در جنگی عادلانه بر آنان پیروز شده است به عقب رانند و با "صدقاتی" از موضع قدرت "دلخوش سازند."

اینان هنوز درنگ نکرده اند که تنها "توده ها" متشالایزال قدرتند اینان هنوز درنگ نکرده اند که وقتی توده های ملیونی برای تحقق خواسته ها و آرمان های خود به پامی خیزند، دیگر کسی نمی تواند جدا از توده های بهاخته ادعای قدرت کند. در چنین شرایطی قدرت از آن نیروئی خواهد بود که در مسیر خواسته های "توده ها" گام بردارد و وسیع ترین و عمیق ترین پیوندها را با آنان برقرار کند.

ناتوانی در درک حقایق فوق، و چشم فرو بستن بر حقایق و واقعیات کردستان و جنبش مقاومت خلق کرد، بدان پایه است که مفسر سیاسی روزنامه انقلاب اسلامی در مقاله ای تحت عنوان "طرفداران دموکراسی در کردستان" که در شماره ۱۳۸ - دوشنبه ۱۹ آذر ماه ۵۸ درج گردید، بقیه در صفحه ۲

بازرگان و یزدی از رفتن شاه به آمریکا

حمایت کردند

با وجود افشاء روابط حسنه یزدی با امپریالیسم آمریکا

توسط دانشجویان پیرو خط امام

چرا یزدی مأمور رسیدگی به شکایات مردم

در سراسر ایران می شود؟

به دنبال تسخیر سفارت آمریکا و برکناری بازرگان و یزدی از نخست وزیری و سرپرستی وزارت خارجه که بلاخره رابطه آنها با این قضایا فاش نگردند و به دنبال افشاکاری شماره ۱۳ "دانشجویان پیرو خط امام" مستقر در مرکز حاسوسی آمریکا، درباره رفتن شاه به آمریکا و افشای روابط حسنه آقای یزدی وزیر خارجه وقت با امپریالیسم آمریکا که در روز سه شنبه ۶ آذر ماه ۵۸ انتشار یافت، ساعت ۹ شب همان روز جمعی کارکنان رئیس جمهوری آمریکا در شبکه

تلویزیونی سراسری آمریکا ظاهر می شود و برای مردم آمریکا از روابط حسنه امپریالیسم آمریکا با بازرگان و یزدی سخن می گوید. از این سخنان کارتر و سخنان دیگر رهبران امپریالیسم آمریکا که چند روز قبل از این از شبکه سراسری تلویزیون آمریکا پخش شد، کاملا مشهود است که امپریالیسم آمریکا با تمام تلاش خود می کوشد محافل لیبرالی را در ایران تقویت کند و حکومت ایران را به دست آنان بسازد تا بدین وسیله دوباره بقیه در صفحه ۲

محافل ارتجاعی نزدیک به شورای انقلاب

و مذاکرات ...

آشکارا هیئت نمایندگی خلق کردرامتهم می کند که با فتوای همدستان مرتجعین کردستان همدست است. در تفسیر سیاسی این روزنامه نمایندگان سیاسی خلق کرد، نمایندگان فتوادلها و مرتجعین کردستان معرفی شده اند. برای اینکه نشان دهیم که چگونه حقایق وارونه جلوه داده می شود، ترجیح می دهیم که به خود روزنامه انقلاب اسلامی استناد جوئیم. در شماره ۹۴ مورخ ۲۳ مهرماه ۵۸ - یعنی در آغاز جنگ کردستان گزارشی از حاج مهدی بهادران در همین روزنامه درج گردید که متعین و همدستان فتوادلها و خوانین کردستان را به شرح زیر معرفی می کرد:

"بعضی ادله و شواهد در دست است که در کردستان و آذربایجان غربی یک توطئه مرموز در جریان است زیرا فتوادلها و مالکین که در رژیم گذشته عامل اجرائی شاه در منطقه بوده اند که توسط افرادی نظیر آقای دکتر چمران، تیمسار ظهیر نژاد فرمانده لشکر ۶ سرهنگ شهپازیان و سایر فرماندهان ارتش ژاندارمری تا بن دندان مسلح شده اند و در برابر مردم مستضعف که سالیان زیاد از دست فتوادلها زجر کشیده اند، تحت فشار قرار می گیرند."

جالب این است که در این روزنامه در شماره ۱۰۱ مورخ سه شنبه اول آبان ماه، خود نسبت به آنهایی که در صحت گزارش و مسئولیت گزارش دهنده شک داشتند، اسنادی را منتشر می نماید که بر درستی آن گزارش تاکید می کند.

در مقاله طرفداران دمکراسی در کردستان "کار تحریف حقایق به آنجایی رسیده که همه جنایات کردستان از قبیل کشتاردهها کودک و زن و مرد بی گناه در "فارنا" - که همین روزنامه "به سوگ آن" نشسته بود - و اعدام ها و سفاکی های "خلخال جلا" - نه تنها پرده پوشی می شود بلکه این جنایات به شکلی به انقلابیون کردستان نسبت داده می شود به یاد آوریم زمانی که عکسهای از صحنه های اعدام مبارزین کردستان و رفقای سازمان ما انتشار یافت، همین روزنامه نوشت "وای به حال اسلام اگر این عکس ها واقعی باشد"

امروز که به اندازه کافی اثبات شده است که آن عکسها واقعی و درست بوده است، اعتقاداتی از آن قبیل که در "طرفداران دمکراسی در کردستان" بیان شده است، این نشان می دهد که تلاش های باند چمران برای از سر گرفتن جنگ در کردستان و راه انداختن کشت و کشتارهای تازه آنچنان وسعت یافته که از روزنامه انقلاب اسلامی نیز سردر آورده است.

مفسر سیاسی روزنامه پس از دروغ پردازی های فراوان در پایان مقاله به هیئت حسن نیت اعزامی به کردستان توصیه می کند که بر عدم مذاکره با شخصیت های مذهبی و ملی، احزاب و گروه های سیاسی شناخته شده کردستان پافشاری نماید.

تعجب آور نیست هیئت حسن نیت اعزامی از مرکز توصیه های نظیر توصیه فوق را پذیرفته و "با احزاب و گروهها مذاکره نمی کند. ما به این اعتقاد با نظر تکوین نگاه می کنیم. ما نیز اعتقاد داریم که: "جای تعجب است یک هیئت برجسته سیاسی چنین اظهار نظر نماید. اولاً چگونه می توان با تمامی یک خلق مذاکره کرد؟ جز از طریق نمایندگان همان خلق؟ نمایندگان آن خلق چگونه تعیین می شوند؟ جز از طریق شرکتشان در مبارزات آن خلق؟ مبارزات یک خلق را چه کسی سازمان می دهد و رهبری می کند؟ جز احزاب و سازمان های مورد اعتماد همان خلق؟ تا نیا مگر هیئت ویژه دولتی اساس ما موریتنش برقراری صلح از راه مذاکره نیست؟ مذاکره صلح را با چه کسی باید انجام داد؟ جواب ساده است، امرو صلح را همان کسانی می توانستند و باید انجام دهند و به نتیجه برسانند که امر مبارزه و دفاع از آن را نیز برعهده داشته اند و آیا برآستی شق دیگری غیر از این قابل تصور است؟"

گذشته از این، تنها مرجعی که رسمیت و مشروعیت نمایندگان خلق کرد را تعیین می کند، توده های خلق کرد هستند و خلق کرد در راهپیمائی سرتاسری روز سه شنبه ۶ آذرماه ۵۸، نمایندگان خود و طرح صلح آنان را تعیین و تأیید نمودند.

سازمان ما، به سهم خود همه تلاش هایی را که برای جنگ افروزی و نادیده گرفتن مطالبات حق طلبانه خلق کرد به عمل می آید، محکوم می کند و بیگیرانه در دستنهایی به صلح عادلانه کوشش خواهد کرد. ما آنهایی را که در صددند بر محیط تفاهم آمیز مذاکرات سایه اندازند، دوستان خلقهای قهرمان ایران و از جمله خلق حماسه آفرین کرد نمی شناسیم. دوستان واقعی مردم از این دسته روی برمی تابند و آنان را افشاء می کنند.

بازرگان و یزدی از رفتن شاه به آمریکا ...

بقیه از صفحه ۱

سلطه خود را بر مردم ماتحت کنیم بخشد. مادر آینده نیز خواهیم کوشید نشان دهیم که چگونه امپریالیسم امریکادری حرکت خود از چنین مهره هایی حمایت می کند و می کوشد این نمایندگانی سرمایه داری را به قدرت برساند. مادر اینجانبی از سخنان کارتر و سخنگوی راکفلر یکی از بزرگترین سرمایه داران امریکائی را که از شبکه تلویزیونی امریکایخش شده است عیناً نقل می کنیم.

سخنرانی کارتر در ۲۷ نوامبر برابر با ۶ آذر) "از ماه ژانویه نقشه ای برای آوردن شاه به امریکا توسط کیسینجر طرح ریزی شد. ما می دانستیم که آمدن شاه به امریکا باعث عکس العمل های شدید مردم ایران خواهد شد و به همین دلیل دست به اقدامات زیر زدیم. (۱- گارد حفاظتی سفارت را در ایران تقویت کردیم. (۲- با دولت ایران (دولت بازرگان) تماس گرفتیم، هم دولت ایران و هم وزارت خارجه قبول و تعهد کردند که امنیت سفارت امریکار در تهران تضمین کنند. و تا سه روز هم این کار را کردند. ولی متأسفانه با تعویض بعضی از دوستان مادر دولت (آقای بازرگان آقای یزدی) ما بیش از پیش نتوانستیم کاری بکنیم."

اعدام بهروز بهروز نیا افسرانقلابی کرد که از فرمان کشتار خلق ستم دیده کرد خودداری کرده بود، موج وسیعی از اعتراضات خلق کرد را ایجاد کرد، مردم کردستان ضمن تشییع جنازه این افسرانقلابی، یادآور گرامی داشتند و این عمل را محکوم کردند. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - شاخه کردستان بدین مناسبت اعلامیه ای صادر کرد. در این اعلامیه آمده است:

اعدام "بهروز بهروز نیا" افسرانقلابی کرد را محکوم میکنیم

اعدام کردند. چه کسانی مردم ستم دیده را در "فارنا" اعدام کردند. چه کسانی دستسور بهاران سردشت را دادند و کدام دادگاه به این جنایات رسیدگی خواهد کرد. شاکرها، باقری ها فلاحی ها، خلخالها و چمرانها چگونه پاسخگوی جنایات خود در کردستان خواهند بود؟ چرا امروز که با شکست مفتضحانه در کردستان روبرو شده اند چهره این جنایتکاران را پنهان می کنند؟ چرا وزارت دفاع مخفیانه دستور عکسبرداری و نقشه برداری از منطقه کردستان را صادر کرده و پنهانی برای کردستان داوطلب استخدام می کند؟ چرا ارتش در کرمانشاه مرتجعین محلی (جاشها) را مسلح می کند؟ و سرانجام چرا بر تمام این اعمال سرپوش می گذارند و همچنان نیروهای جنبش مقاومت را جنگ طلب و

در اولین روز مذاکرات هیئت ویژه دولت با هیئت نمایندگی خلق کرد بیدادگاه ارتش ضد خلقی بهروز بهروز نیا افسرانقلابی کرد را به جوخه اعدام سپرد. بهروز نیا به خاطر جلوگیری از حمله هلی کوپترهای ژاندارمری به پیشمرگ ها و ممانعت از بهاران روستاها، فرمانده مزدور ژاندارمری را اعدام کرده بود. بهروز نیا به جرم دفاع از جنبش مقاومت خلق کرد و اعدام یکی از مزدوران آریامهری ارتش اعدام شد. اما همچنان فرماندهان جنایتکار ارتش و مسبین اصلی کشتار خلق کرد نشان و درجه می گیرند. چه کسانی جوخه های اعدام را در سراسر کردستان برپا کردند و بهترین فرزندان این خلق قهرمان را به اتهام بوج مفسد فی الارض

آتش افروز معرفی می کنند؟ خلق کرد در سحرگاه اعدام "بهروز نیا" افسرانقلابی کرد بار دیگر خاطرات تلخ جنایات ارتش پاسداران و بیدادگاه های خلخال را به یاد می آورد و از تمام خلق های مبارز ایران و نیروهای ترقیخواه و انقلابی می خواهد این عمل ننگین را که بدون شک تأثیر سوئی بر فضای مذاکرات صلح خواهد گذاشت، محکوم نمایند. برقرار باد صلح عادلانه در کردستان مستحکم باد پیوند پر سنل انقلابی و مبارز ارتش با خلق های مبارز ایران مرگ بر امپریالیسم امریکا دشمن اصلی خلق های جهان

سازمان چریک های فدایی خلق ایران - شاخه کردستان ۲۱ آذر ۵۸

قسمتی از اطلاعیه شماره ۶ هیئت نمایندگی خلق کرد

گفتگوی نفاق افکنانه هیئت ویژه را با افراد غیر مسئول تحت عنوان گفتگوی "مردم" بی شرمی دانیم. جریان کامل گفتگوها و متن سخنرانی ها در بولتنی که از جانب دبیرخانه هیئت نمایندگی خلق کرد در دست تهیه است به اطلاع هم وطنان آزادخواه و مبارز خواهد رسید. هیئت نمایندگی خلق کرد ۲۳ آذرماه ۵۸

موضع جدی هیئت نمایندگی خلق کرد متأسفانه هیئت ویژه جدی و مسئولانه برخورد نکردند ما عواقب وخیم این امر را یادآور می شویم و امیدواریم در دور بعدی مذاکرات که (بنابه اظهار آقای فروهر قرار است روز دوشنبه ۲۶ آذر مجدداً در مهاباد آغاز شود) بطور واقع بینانه خواست برحق خلق کرد را مورد بررسی قرار دهند و بیش از این به دفع الوقت نپردازند. و در این رابطه هرگونه تمسب و

هموطنان مبارز! هیئت نمایندگی خلق کرد بر این اعتقاد است که حاصل مسالمت آمیز مسئله کردستان تنها وقتی امکان پذیر است که دولت بطور جدی به خواست اساسی خلق کرد در مورد خود مختاری توجه کرده و در راه مذاکره به سهانه های مختلف سنگ اندازی نشود. در این دور مذاکرات علیرغم

صلح دمکراتیک در کردستان باید به نفع زحمتکشان ایران برقرار شود



لنین ... از فوریه تا اکتبر

مناسبت شصت و دومین سالگرد انقلاب کبیراکتبر
انقلاب کبیراکتبر
به منزه آغاز و مقدمه انقلابات پرولتری سراسر جهان

نمونه‌ای از اقدامات ضد کارگری وزارت کار

اخیرا سرپرست وزارت کار اراک، برای افرادی که به خاطر وابستگی به رژیم سابق از کارخانه آلومینیوم سازی اراک اخراج شده‌اند مبلغ زیادی به عنوان تسویه حساب پرداخته است. مثلا برای رفیعی (عضو ساواک منحل) مبلغ ۹۳۰ هزار تومان و برای مهندس مسعودی که از عناصر وابسته به رژیم سابق بوده است مبلغ ۲۲۰ هزار تومان، همچنین سرپرست وزارت کار گفته است که دوتن از کارکنان اخراجی که از اعضای حزب رستاخیز منحل شده بودند باید به سرکار بازگردانده شوند.

در ضمن شورای انتخاباتی کارکنان کارخانه به خاطر آلودگی شدید هوای کارگاه "پات روم" و کار طاقت فرسای آن تصمیم می‌گیرد که محل کار ۲۷ نفر از کارگران این قسمت را عوض کند. بنا به نائید پزشکان، محل کار اکثر این کارگران از مدت‌ها پیش می‌بایست عوض می‌شد. اما مدیر عامل کارخانه به بهانه این که این تعویض به میزان تولید کارخانه لطمه می‌زند، نهنه با این تصمیم شورا مخالفت کرده است بلکه برای جلوگیری از اجرای آن به وسیله عناصر وابسته و عمال خود اقدام به تحریک عدنان از کارگران و ایجاد تفرقه و دودستگی می‌کند. کارکنان و شورای کارخانه متحداً به موارد بالا شدیداً اعتراض کرده و در مقابل تصمیمات مدیر عامل وزارت کار ایستادگی کرده‌اند.

کارگران آجرپزی پارس

اداره کارخانه را به دست گرفتند

تبریز - کارگران کارخانه آجرپزی پارس به دنبال سرآوردن شدن خواست‌های خود کنترل کارخانه را به دست گرفتند و مهندس خرازی صاحب کارخانه را از آن بیرون کردند. مهندس خرازی به استناد آیت الله مدنی شکایت کرد. پس از چند روز آنها مهندس مددی رایبه عنوان عنوان سرپرست کارخانه انتخاب کردند. مددی بعد از چند روز به بهانه گرفتاری بیش از حد دوباره همان مهندس خرازی رایبه کارخانه آورد و به کارگران گفت: "این شخص جانشین من است و به مشکلات شما رسیدگی خواهد کرد." به دنبال این جریان کارگران مجدداً روز دوشنبه پنجم آذرماه به عنوان اعتراض به بازگشت خرازی دست از کار کشیدند. کارگران شکایتی علیه خرازی به اداره کار نداشتند و روز شنبه یازدهم آذرماه که روز رسیدگی به شکایت آنها بود با اعتصاب خود ادامه دادند.

شرافتمند دیگر درک کرده بود که در برابر وضع موجود، دو راه بیشتر وجود ندارد. یا تمامی قدرت در دست بورژوازی و ملاکان باقی بماند و مفهوم آن سرکوب کارگران، سربازان و دهقانان و در ادامه آن گرسنگی و بیکاری و مرگ خواهد بود و یا این که قدرت به کارگران سربازان و دهقانان انقلابی منتقل شود و نمایان آن لگام زدن به سرمایه‌داران، الغای ستم مالکان است. آنگاه است که دهقانان صاحب زمین خواهند شد. آنگاه است که حق نظارت کارگران بر کارخانه‌ها تضمین خواهد گردید. و آنگاه است که برای گرسنگان نان تأمین خواهد شد.

لنین در نامه تاریخی خود در روز ۲۴ اکتبر چنین می‌گوید:
رفقا:
من این سطور را عصر روز بیست و چهارم می‌نویسم. اوضاع بی نهایت بحرانی است. مثل روز روشن است که اکنون دیگر تاخیر در قیام حقیقتاً برابر با مرگ است. به جرئت تمام به رفقا اطمینان می‌دهم که اکنون دیگر همه چیز به موئی بسته است و مسائلی در دستور روز قرار دارد که نه با مشاوره می‌توان آن را حل کرد و نه با کنگره... بلکه حل آن منحصر از عهده خلق‌ها توده و مبارزه توده‌ای مسلح ساخته است. باید تمام بخش‌ها و تمام هنگ‌ها و تمام نیروها به فوریت بسیج شوند... تاخیر در اقدام برابر با مرگ است.

(لنین، تاریخ نگارش ۲۴ اکتبر) صبح روز ۷ نوامبر (۱۲۵ اکتبر) حرکت تاریخی توده‌ها که از ماه‌ها پیش شکل گرفته بود آغاز گردید. خیل انبوه کارگران، سربازان و دهقانان انقلابی به رهبری حزب بلشویک پس از آن که اغلب مراکز دولتی را تصرف کرده بود مقر شورای جمهوری روسیه را محاصره کردند. طولی نکشید که پادگان‌هایکی پس از دیگری سقوط کرد و پرچم سرخ انقلاب سوسیالیستی بر فراز کاخ شورای جمهوری به اهتزاز درآمد. شورای نمایندگان کارگران و سربازان بطر و کوراد انقلاب عظیم و پیروزمند پرولتاریا رایبه مردم روسیه تریک گفت و در اولین پیام خود اعلام داشت: "حکومت بورژوازی به گسور سپرده شد و قدرت حاکمه دولتی به دست ارگان شورای نمایندگان کارگران و سربازان بطر بورگ یعنی کمیته انقلابی نظامی افتاد که در رأس آن پرولتاریا قرار دارند. اموری که خلق برای آن مبارزه می‌کرد یعنی پیشنهاد فوری صلح دمکراتیک، الغاء حاکمیت مالکان بر زمین، نظارت کارگران بر تولید و ایجاد حکومت شوروی تأمین گشته است.

و به این ترتیب باقی‌مانده فهرمانانه کارگران و دیگر رزحمتکشان روسیه در ۲۵ اکتبر انقلاب سوسیالیستی به تحقق پیوست.



کورگورانه در ارتش هستند. دولت با کمک نیروهای مجازات کارخانه‌ها را تعطیل می‌کند و دهقانان را خلع سلاح می‌نماید. خلق می‌بایست از انهدام نجات یابد. انقلاب می‌بایست به پایان خود برسد، قدرت حاکمه می‌بایست از دست جنایتکاران بورژوازی به درآید و به دست کارگران و سربازان متشکل و دهقانان انقلابی منتقل شود.

توده‌های زحمتکش روسیه کارگران، دهقانان و سربازان دیگر همگی از دولت موقت قطع امید کرده بودند. دیگر تنها یک راه در پیش داشتند و آن سلب حاکمیت سیاسی دولت موقت بود.

لنین در این باره چنین می‌گوید:
"لابد به ما خواهند گفت نسه دولت و نه شوراها هیچ یک در این امر مقصرت نیستند." ما جواب خواهیم داد این دیگر برای دولت و شوراها بدتر است. زیرا باین وضع آنها حکم هیچ رادار نیست. عروسکند و قدرت واقعی در دستشان نیست.

مردم قبل از همه و بیش از همه باید از حقیقت آگاه باشند و بدانند که قدرت دولتی عملاً در دست کیست. باید تمام حقیقت رایسه مردم گفت. قدرت حاکمه در دست دارودسته ارتشی... است که... از طریق کلیه روزنامه‌های بانده سیاه... پشتیبانی می‌شوند.

این قدرت را باید سرنگون ساخت. بدون این عمل تمام عبارت‌پردازی‌های مربوط به مبارزه با ضدانقلاب، پوچ و خود فریبی و فریب مردم "است." (لنین - در اطراف شعارها) هر سرباز، هر کارگر، هر سوسیالیست واقعی، هر دمکرات

ملاکین و سرمایه داران با هاری تمام بلشویک‌ها را بعلت مبارزه آنان علیه جنگ و برضد ملاکین و سرمایه داران به باد ناسزا می‌گرفتند و علناً طلب می‌کردند بلشویک‌ها بازداشت شوند و مورد تعقیب هم قرار گیرند و این هنوز در آن زمانی بود که یک اتهام هم برضد یک بلشویک ساخته نشده بود.

دولت موقت برای جلوگیری از اوج‌گیری مبارزات توده‌ها، دستگیری، شکنجه و خلع سلاح آنها را آغاز کرد. ماه‌ها این فشارها که به توده وارد می‌آمد و تلاش‌هایی که برای خلع سلاح آنها صورت می‌گرفت مرحله تازه‌ای از مبارزات آنها را باعث شد. قدرت دوگانه به پایان رسید و حزب بلشویک تدارک قیام مسلحانه را در دستور قرارداد. در این گیرودار مساله تشکیل کنگره شورا مانند ابرطوفنده ای سراسر روسیه رافرا گرفت. اما تمامی دستگاه ماسین دولتی که انقلاب فوریه آن رایبه حرکت درآورده بود علیه گشایش کنگره شوراها عمل می‌کرد.

در سمت دیگر اراده شکل گرفته پرولتاریا، کارگران و دهقانان قرارداد داشت که هنوز نمی‌توانست سازماندهی توده‌های انقلابی را به وجود آورد. در این شرایط حزب بلشویک به رهبری لنین اعلام داشت:

"دولت کرسکی برضد کارگران دهقانان و سربازان است. این دولت کشور رایبه پرتگاه فنا سوق می‌دهد. می‌خواهند کارگران را از راه گرسنگی به تسلیم وادارند. بورژوازی و ژنرال‌هایش خواستار تدابیر خشن برای احیای انضباط

این مقاله ادامه مقالات پیشین چاپ شده در شماره‌های قبلی "کار" می‌باشد، که در این شماره به پایان می‌رسد.
منابع مورد استفاده:
۱- منتخب آثار لنین
۲- ده روزی که دنیا را تکان داد.
۳- تاریخ حزب کمونیست (بلشویک) شوروی

مرتجعین برای حفظ و حراست نظام کهنه سرمایه‌داری به دست و پا افتاده بودند و چیزی جز مصیبت برای روسیه به بار نمی‌آوردند. آنها فریاد می‌زدند: "روسیه در خطر است، بگذار خدا به داد روسیه برسد."
احزاب اپرونیست و بورژوازی نیز آب به آسیاب بورژوازی می‌ریختند. آنها می‌گفتند: "دولت خواهند توانست وظایف خود را در محیطی آرام فارغ از مزاحمت آنارشیست‌ها انجام دهد" و منظورشان نیز معلوم بود. آنها لنین و حزب بلشویک را آنارشیست‌هایی می‌دانستند که مانع از انجام "وظایف" دولت کرسکی نیز به عنوان رئیس دولت موقت در شورای جمهوری اعلام کرده‌اند دولت موقت از تبلیغات بلشویکی کاملاً مطلع و بقدر کافی نیرومند است که عهده هرگونه "اغتشاش" برآید. اوروزنامه روسیه نوین را متهم به بزهکاری می‌کرد و با وجود این که تمام روزنامه‌های آزادی خواه و مترقی رایسته بود، با عوام فریبی اظهار داشت:

"آزادی مطلق مطبوعات مانع از آن است که دولت بتواند علیه اکاذیب مطبوعاتی تدابیری بیابد." رئیس دولت موقت همیشه می‌گفت من شجاعت این رادارم که بگویم سبب و مایه اصلی تمام حوادث عجیب و غریبی که رخ می‌دهد، همانا تحریکات غیر قابل تصویری است که بلشویک‌ها در سراسر کشور به راه انداخته‌اند. او مسئولیت بیکاری میلیون‌ها کارگر و دهقان و تورم و حشمتاک و تعطیل کارخانه‌ها رایبه گردن نیروهای چپ می‌انداخت. و چنین ادعایی کرده که بلشویک‌ها نمی‌گذارند اقتصاد کشور رونق بیابد. لنین در مورد نقض آزادی و انتقامات دروغین دولت موقت به بلشویک‌ها چنین می‌گوید:

"شاید معتزضانه بگویند تعقیب بلشویک‌ها به معنای نقض آزادی نیست زیرا فقط افراد معینی را با اتهامات معینی تعقیب می‌نمایند ولی این اعتراض - کذب عیان و آشکار است. زیرا چگونه می‌توان در مقابل جرم افرادی جداگانه، ولو گناه آنها هم در دادگاه رایبه رسیده و تصدیق شده باشد، چایخانه‌ها را تاراج نمود و روزنامه‌ها را توقیف کرد؟... آنچه که بیش از همه جنبه افترا آمیز اتهامات علیه بلشویک‌ها را فاش می‌کند این است که روزنامه‌های

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

مبارزه ضد امپریالیستی

وسیاست ضد انقلابی شورای انقلاب

نزدیک به یک ماه و نیم از تاریخ تسخیر سفارت امریکنا می گذرد. از آن زمان تاکنون تغییرات مهمی در سطوح مقامات بالای کشور به وجود آمده است. دولت یازدهم استعفا می دهد و به دنبالش دکتر یزدی وزیر خارجه سابق از پست خود برکنار می شود. ابوالحسن بنی صدر سومین وزیر خارجه ایران بعد از قیام بهمن ماه است و هنوز جابجائی کامل صورت نپذیرفته که شورای انقلاب جای سابق یزدی را از پستی صدر پس می گیرد و به قطب زاده می سپارد. تغییرات دیگری نیز در سایر سطوح منجمله شورای انقلاب صورت گرفته است. اما از آنجائی که وزارت خارجه و سیاست خارجی ایران در رابطه با تسخیر سفارت مقام ویژه ای را به خود اختصاص می دهد، ما در این مقاله تعقیب سیاست خارجی ایران را بیشتر از کانال تغییرات وزارت خارجه دنبال می کنیم.

بعد از تسخیر سفارت، تظاهرات میلیونی توده ها به همراه شعارهای مرگ بر امپریالیسم، مرگ بر امریکنا افشاء کلیه قرارداد های سیاسی، اقتصادی، نظامی، قطع وابستگی و قطع صدور نفت به امریکنا و بالاخره استرداد شاه خائن و بازپس دادن اموال به یغما برداشته، نشان از این روحیه و از این فشار داشت و قبل از آن نیز ما این روحیه و این خواست ها را در شعارها و قطعنامه های تظاهرات و میتینگ ها در اعتصابات کارگری (بخصوص صنعت نفت) و در اعلامیه ها و هشدارهای گروه ها و سازمان های مترقی و ضد امپریالیست شاهد بودیم.

دولت بازرگان و دکتر یزدی را همچون دیگران توان مقابله با این موج عظیم ضد امپریالیستی نبود. آنها شناخته تر از آن بودند که حتی با گروگذاشتن گذشته به اصطلاح "ملی و مبارز" خود بتوانند توده ها را فریب دهند و مآشات و محافظه کاری کنند و دستاوردهای قیام خونین مردم ما را یکسره تقدیم امپریالیسم نمایند. نه، توده ها این را نمی پذیرفتند و نخواهند پذیرفت چنین بود که شورای انقلاب خود همه کارها را به عهده گرفت (از این زهدگر بعضی از تضادهای درونی جناح های حاکم را نیز تخفیف داد) و ترکیب اعضای آن به قضاوت مردم گذاشته شد که نه چیزی چشمگیرتر از کابینه بازرگان بود و نه سیاستی برتر از آن ارائه می داد. ابوالحسن بنی صدر که جای یزدی را در وزارت خارجه پر کرده بود، طرح خود را مبنی بر بازپس گرفتن شاه مخلوع که در آن بر لزوم شرکت در جلسه رسمی شورای امنیت جهت افشاکاری درباره جنایات شاه در طول زمانمداری ننگینش تاکید داشت ارائه داد (مصاحبه بنی صدر با اطلاعات ۱۵ آذر) و این تنزل دادن خواست های ضد امپریالیستی توده ها بود. اما

این حداقل نیز برای شورای انقلاب و بخصوص شخصی قطب زاده که تمام تلاشش تحکیم سلطه امپریالیسم امریکناست، زیاد بود. شورای انقلاب بنی صدر را از وزارت خارجه برداشت و شخصی به جای او گمارد که در دروغ گوئی، عوامفریبی و شیادان برترین است. قطب زاده این عنصر مرتجع و شناخته شده را که در طول دوران پس از قیام نقش عمده ای در پامال کردن حقوق دمکراتیک توده ها ایفا کرده است، امروز همه مردم آگاه مای شناسند. این تعبیر در عین حال نشانه کشمکش بر سر قدرت در حاکمیت نیز هست. بنی صدر در مورد استعفا خود چه می گوید!

"ناچار بودیم گاه از امکاناتی که در جهان داشتیم برای رسیدن به این هدف استفاده کنیم. اما رادیو - تلویزیون سیاستی درست نقطه مقابل مادرپیش گرفت و بنا جعل خبر و ناسزاگفتن (آنچه که بنام قطب زاده مترادف است) به دیگرکل سازمان ملل و تبلیغات دروغ، جوی درست کرد که در ذهن همه این مسئله شکل گرفت که اگر ما در شورای امنیت شرکت کنیم فوراً یک حکم محکومیت دست مای دهند و ما محکوم شده برمی گردیم. بنابراین باجوی که ایجاد شد، شرکت کردن در شورای امنیت بی معنی نبود..."

(مصاحبه بنی صدر با اطلاعات ۱۵ آذر).

ولی قطب زاده مصرأ تاکید کرد که رفتن بنی صدر از وزارت خارجه در رابطه با سفر نیویورک نیست و ایشان دیر بازود از این وزارتخانه می رفت "همچنین او در مقابل این پرسش که آیا تاکنیک سیاست باز بنی صدر موجب رفتن او از وزارت خارجه شد، طبق معمول به عوامفریبی دست زد و گفت:

"سیاست بنی صدر، سیاست شورای انقلاب بود. سیاست ما نیز همین خواهد بود که قبلاً بوده است. باید بگویم که در نفس مبارزه با امپریالیسم هیچگونه تغییری به وجود نیامده است." (اطلاعات همان تاریخ)

اما همین شخص طبق آنچه که در روزنامه باامداد مورخ ۱۲ آذر نوشته شده است، آشکارا کنار رفتن بنی صدر را به دلیل عدم تحرک کافی او در تطبیق خود با خط امام دانست و اظهار داشت که رادیو تلویزیون از اول در خط امام بوده، هست و خواهد بود.

این اختلافات، کشمکش بر سر کسب قدرت را به خوبی آشکار می کند. بنی صدر را دیو - تلویزیون را (قطب زاده را) جعل کننده خبر ناسزاگو و تبلیغات چی دروغگو خطاب می کند و قطب زاده بنی - صدر را فاقد تحرک و خارج از خط می خواند، شورای انقلاب نیز از قطب زاده حمایت می کند.

سیاست شورای انقلاب در مورد سد کردن حرکت توده ها و انحراف آن از خواست های اصولی اشرا یک

در سیاست خارجی و برخورد با مسئله سفارت به وضوح روشن است قطب زاده وزیر خارجه جدید شورای انقلاب در اطلاعیه ای که روز جمعه ۱۶ آذر ماه صادر کرد (باامداد شنبه ۱۷ آذر) چنین می نویسد:

"با همکاری همه جانبه تمام گروه های ضد امپریالیستی و صهیونیستی ایران و جهان یک هیات از شخصیت های مستقل و آزاده جهان و ایران در تهران تشکیل دهیم تا پرونده جنایات دولت امریکا در ایران را از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۳۲ تاکنون مطالعه و بررسی نماید. "همچنین" عمال جاسوسان امریکائی را که به نام دیپلمات خود را معرفی کرده اند، در حضور همین هیات به نظر مردم جهان بگذاریم "و سپس "در حد قدرت و امکان تلاش نمائیم تا نتایج بررسی و تحقیق این هیات را به زوایای جهان برده و همگان را از آن آگاه نمائیم."

همین! دیگر نه صحبتی از افشاء و لغو قرارداد ها در میان است و نماز قطع ارتباط حتی صحبت از استرداد شاه نیز به تدریج کمتر و کمتر می شود.

تمام این مانورها، جامعوی کردن ها، کوشش هایی است در جهت انحراف خواست های ضد امپریالیستی توده ها و تثبیت منافع سرمایه داران وابسته، اگر یزدی نتواند مجری این سیاست باشد، شانس خود را با بنی صدر امتحان می کنیم و در غیر این صورت قطب زاده را به کمک می طلبیم. این است سیاست شورای انقلاب. بدیهی است که امپریالیسم در این میان نیز بیکار ننشست و در سطح جهانی دست به یکسری مانورهای زد که افکار عمومی جهانیان را از مسئله اصلی منحرف گردانید.

مراجعه به شورای امنیت سازمان ملل و رای صادره مبنی بر بازگرداندن جاسوس ها و بازگشت مناسبات به حالت عادی و همینطور رای دیوان بین المللی لاهه - تلاش های امپریالیسم امریکا را برای محق جلوه دادن خود نشان می دهد. این ارگان ها که ساخته و پرداخته امپریالیسمند، هیچ گاه در خدمت منافع خلق های جهان قرار نخواهند گرفت و رای آنها پیشیزی برای نیروهای ارزنده و انقلابی ارزش ندارد. رفتن شاه خائن از ایالات متحده به پاناما تازه ترین شگرد امپریالیسم برای حل مسئله است و این تنگلی بود که از آغاز ما جرایم پیش بینی می شد. اما نه تلاش های مذبحخانه امپریالیسم و نه شگردهای گوناگون سازشکاران، محافظه کاران و مرتجعین داخلی در نهایت نتواند توانست سیل خروشان خلق رزمنده ما را علیه امپریالیسم سد نماید. طبقه کارگر، دهقانان و سایر زحمتکشان ما روز به روز بیدارتر آگاه تر و متشکل تر می شوند و لحظه به لحظه عرصه را بر امپریالیسم امریکا طبقه سرمایه دار وابسته به آن و سازشکاران و مرتجعین دشوارتر می کنند.

هواداران سازمان چریک های فدائی خلق ایران در لنگرود برای تداوم بخشیدن به مبارزه ضد امپریالیستی و پاسخ به تهدید نظامی امریکا و محکوم کردن قطعنامه شورای امنیت، دوشنبه ۱۹ آذر را روز راهپیمائی ضد امپریالیستی معین کرده بودند. اما صبح روز شنبه راهپیمائی ضد امپریالیستی فارغ التحصیلان بیکار توسط عده ای عناصر معلوم الحال به هم ریخته شد که در پی آن چند نفر از فارغ التحصیلان بیکار مجروح شدند. پس از بخش تراکت های دعوت به راهپیمائی عناصر مرتجع شناخته شده با پراکندن شایعه و دروغ مبتنی بر این که فدائیان می خواهند مسلحانه برضد آیت الله خمینی و به نفع امریکائیان راهپیمائی کنند. با کمک فرماندار مرتجع لاهیجان و باند سپاه او عناصر نا آگاه روستائی را به تفنگ و قلمه مسلح می کنند. در روز دوشنبه حدود ۵۰۰ نفر قلمه به دست و عده ای هم غیر مسلح حمایت کننده به سرکردگی "شیخ هادی خالقی" که خود نیز میله های آهنین در دست داشت از میدان شهر تا سبز میدان، محل تجمع شده جمع راهپیمایان، به حالت دو به راه می افتند. در مسیرشان زنها و بچه ها از کنار آنها فرار کرده و با داد و فریاد ناسزا تارشان می کردند و معازره داران به حالت وحشت و اعتراض معازره ها را تعطیل کردند اما این دسته قهقهش و قشوری بی توجه به همه این مسایل با تکان دادن قلمه و تفنگ شروع به غریبه کشی و پاره کردن اعلامیه های مختلف می نمایند. و به سمت سبز میدان می روند ولی آنجا را خالی از هواداران سازمان و نیروهای مبارز می یابند. لازم به یادآوری است که هواداران سازمان با اطلاع از مقاصد پلید مرتجعین توطئه گر برنامه راهپیمائی روز دوشنبه را لغو کرده بودند و در اعلامیه ای که به همین منظور برای روشن شدن افکار عمومی داده اند از توطئه های مرتجعین بزرده برداری می نمایند و در ادامه اعلامیه می نویسند:

"ما بنابه مصالح زحمتکشان و برای منحرف نشدن مسیر مبارزه ضد امپریالیستی توده های میهنمان راهپیمائی را لغو کردیم."

با این وضع مردم مبارز لنگرود با دیگر باچهره واقعی مدعیان دو آتشه مبارزه ضد امپریالیستی آشنا شدند و برای همه نیروهای آگاه و عناصر مبارز روشن گردید که این مدعیان دروغین تا چه اندازه ضد امپریالیست هستند.

محمود آباد - جوانان و عناصر آگاه محمود آباد و فریدونکنار، روز شانزدهم آذر برای تحلیل از دانشجویان شهید و افشای ماهیت امپریالیسم و وابستگی داخلی اش راهپیمائی ترتیب دادند. حدود ۸۰۰ نفر از مردم با شعارهای ضد امپریکائی و ضد ارتجاعی حرکت می کردند که مورد حمله گروهی

حمله مسلحانه به صف تظاهرات...

بقیه از صفحه ۱۲

چماق بدست و قلمه دار، قرار گرفتند مرتجعین در این حمله هر کس را به دستشان می رسید، زیر ضربه می گرفتند. زده خورد کنندگان با تیراندازی هوائی پاسداران متفرق شدند.

حمله مسلحانه به یک راهپیمائی دیگر...

اهواز - در نشریه سازمان چریک های فدائی خلق ایران شاخه آذربایجان به نام "راه سرخ" شماره ۴ خبری درج شده است مبنی بر حمله مسلحانه های سردوگرم به صف راهپیمایانی که روز ۲۹ آبان به دعوت دانشجویان پیشگام تبریز دست به راهپیمائی ضد امپریالیستی زده بودند. در زیر خبر مندرج در "راه سرخ" را می خوانید:

"دانشجویان پیشگام از کلیه کارگران، دانش آموزان، معلمین و کارمندان و زنان مبارز دعوت کردند تا برای نشان دادن وحدت مبارزاتی همه متمسکشان این سازمان علیه استعمارگران جهانی و سرمایه داران زالوصفت وابسته به آنان در این راهپیمائی ضد امپریالیستی شرکت نمایند."

راهپیمائی ساعت ۳ بعد از ظهر از محل باغ گلستان به طرف کنسولگری امریکا شروع شد. تظاهرات کنندگان در صف های منظم و با شعارهای "این شاه امریکائی در پیشگاه ملت اعدام باید گردد" "توطئه های امریکا خنثی باید گردد" "تسلیم و سازشکاری افشاء باید گردد" "خلق ما می رزمند، امریکا می لرزد" "۷۰ هزار کشته، صدها هزار خمی هرگز میاد سازش، هرگز میاد تسلیم" "مرگ بر کارتر و پاریان او، مرگ بر کارتر و مهبان او" دست به راهپیمائی زدند. ولی هنوز چند دقیقه ای از راهپیمائی نگذشته بود که ماورین کمیته مرکزی و عده ای او با ش با چاقو و قلمه به صف تظاهرات کنندگان حمله کرده و پلاکاردها و پرده ها را که شعارهایی علیه امپریالیسم امریکا بر روی آنها نوشته شده بود، با چاقو دریده و به آتش کشیدند. تظاهرات کنندگان بطور پراکنده و با شعار مرگ بر امریکنا طرف کنسولگری حرکت کردند، ولی دوباره در چهارراه ۱۷ شهریور - متحدین با حمله وحشیانه ماوران کمیته روبرو شدند. در این محل تعداد زیادی از فرزندان دلیر خلقی با ضربات چاقو زخمی شده و تعدادی نیز در اثر خونریزی به حال اغما افتادند که بلافاصله توسط مردم مبارز شهرستان به بیمارستان و بیمارستان اطراف برده شدند. ولی تظاهرات کنندگان به حرکت خود به طرف کنسولگری ادامه داده و تجمع عظیمی را در مقابل کنسولگری به وجود آوردند. آنها با بانگ رسای "مرگ بر امریکا" تمام صداهای تفرقه افکنانه و مرتجعانه را تحت الشعاع قرار دادند. اینبار نیز مرتجعین با حمله وحشیانه خود و با تیراندازی تجمع باشکوه دانشجویان، کارگران و دانش آموزان و... را به هم ریخته و عده ای را با چاقو زخمی کرده و چندین نفر را دستگیر کردند.

حق تعیین سرنوشت خلقها ضامن وحدت و یکپارچگی است



حزب توده، حزب فریب توده و سازش با صاحبان قدرت

مهم ترین ویژگی کمونیست‌ها، ایمان به توده‌ها و ایمان به قدرت لایزال خلق است. همان گونه که لنین در بالای صفحه اول نخستین شماره ایسکرا می‌نویسد: "کمونیست‌ها هرگز به مردم دروغ نمی‌گویند. کمونیست‌ها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی‌کنند. کمونیست‌ها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و روشنفکران انقلابی متکی هستند."

دوویرگی هر جریان سازشکار غیر پرولتری است اما در حزب توده بسیار برجسته تر و کاملاً نمایان است، عبارتند از:

- ۱- تلاش برای نزدیک شدن به صاحبان قدرت به هر قیمتی
- ۲- تلاش برای فریب و تحمیق توده‌ها و وسیله قراردادن آنها به هر حیل و مایه

مبارزه مسلحانه رایج توده‌ها و رحمت می‌کند. حالابه گوشه‌های از فعالیت‌های "حزب توده" در پیروسیه پس از قیام نگاه کنیم. حزب توده پس از قیام نیز استراتژی و تاکتیک نزدیک شدن به صاحبان قدرت و تحمیق و فریب توده‌ها را با پشتکار ادامه داد و برخلاف ادعاهایش، هرکس را که در قدرت بود، چه نمایندگان سرمایه داری لیبرال (مثل بازرگان، نرزیه و غیره) و چه نمایندگان خرده بورژوازی، همه را تا پیش برد و هرکس هم که در قدرت نبود چه لیبرال، چه خرده بورژوا و چه نمایندگان طبقه کارگر را مخالفی با صاحبان قدرت کردند ساواکی، صهیونیست، عامل امپریالیسم، بازمانده رژیم سابق، ضدانقلابی، چپ نما و غیره نامید.

می‌دهد که جناح سالم ترو واقع بین تر هیئت حاکمه زمام امور را به دست داشته باشد. یعنی همان جناحی که بعداً کوشید "باگسترش فضای باز سیاسی" جنبش را مهار کرده و به شکست بکشاند.

به یاد آوریم که در سال ۵۴ چگونه فرزندان راستین خلق‌های ایران برای سرنگونی رژیم شاه و نابودی سلطه امپریالیسم می‌جنگیدند و مقایسه کنیم با فعالیت‌های کمیته مرکزی حزب توده که می‌کوشید به رژیم بقبماند هدفش مخالفت با سلطنت نیست بلکه تنها خواهان اعطای امتیاز فعالیت علنی از جانب رژیم است. مجله دنیای بهمن ماه ۵۴، صفحه ۱۴ این هدف را بهتر نشان می‌دهد.

آیا سرنگونی سلطنت استبدادی شاه حتماً باید با برانداختن سلطنت بطور کلی همراه باشد؟ به نظر ما نه. به یاد داشته باشیم که لیبرال‌های حبه ملی و همچنین دکتر امینی ها و درخشش هائیز همین را می‌گفتند. کاملاً واضح است که حزب توده با این بیان به صراحت می‌کوشید به شیوه همیشگی اش به رژیم سلطنتی نزدیک شود و به زبان نیروهای انقلابی و در ازاء کسب امتیاز فعالیت علنی با بورژوازی کمپرادور همکاری کند.

حزب توده در جریان اوج گیری مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر، زحمتکشان و سایر اقشار خلق ایران، هنگامی که شهرهای ایران در شعله مبارزه می‌سوزند و یکی پس از دیگری به جنبش توده‌های گرما می‌بخشند، در روزهای که قهرمانی‌های تیریز قم، تهران و غیره ایران را یک پارچه در شور و شغف فروبرد است، قهر انقلابی توده‌های رزمنده ایران را به گروه‌های او باش و ساواکی نسبت می‌دهد. (فوق العاده نوید ۱۹ اسفند سال ۵۶) چنین می‌نویسد:

"رژیم بنا به شیوه همیشگی خود با دست زدن به یک سلسله خرابکاری به دست چاقو کشان او باشان ساواک در قتل است این بربریت آدمکشانه خود را توجیه کند و کسانی را که با استفاده از حقوق حقه قانونی خود در نهایت نظم دست به تظاهرات زده بودند، مورد آزار و اهانست و تعقیب قرار دهد. این موضع نیز فرقی با موضع لیبرال‌های سازشکار که مردم را به آرامش و خودداری فرامی‌خواندند و می‌کوشیدند با نزدیک شدن به صاحبان قدرت و گرفتن سهمی ناچیز جنبش را به شکست بکشاند، هیچ فرقی ندارد.

در مقطع قیام، زمانی که دیگر کار رژیم تمام است و توده‌ها بی‌اعتنا به نصایح "توده‌های ما" و "لیبرال‌ها" با قدرت به قهر انقلابی ادامه می‌دهند، حزب توده بازرنگی می‌کوشد با جنبش حساب باز کند و از همین رواجاره

مبارزه مسلحانه رایج توده‌ها و رحمت می‌کند. حالابه گوشه‌های از فعالیت‌های "حزب توده" در پیروسیه پس از قیام نگاه کنیم. حزب توده پس از قیام نیز استراتژی و تاکتیک نزدیک شدن به صاحبان قدرت و تحمیق و فریب توده‌ها را با پشتکار ادامه داد و برخلاف ادعاهایش، هرکس را که در قدرت بود، چه نمایندگان سرمایه داری لیبرال (مثل بازرگان، نرزیه و غیره) و چه نمایندگان خرده بورژوازی، همه را تا پیش برد و هرکس هم که در قدرت نبود چه لیبرال، چه خرده بورژوا و چه نمایندگان طبقه کارگر را مخالفی با صاحبان قدرت کردند ساواکی، صهیونیست، عامل امپریالیسم، بازمانده رژیم سابق، ضدانقلابی، چپ نما و غیره نامید.

مبارز مثال نشان می‌دهیم که چگونه حزب توده وقتی نرزیه لیبرال از جانب دولت بازرگان به قدرت می‌رسد و رئیس شرکت نفت می‌شود، حزب توده از او با احترام یاد می‌کند و هنگامی که نرزیه برکنار می‌شود، چگونه حزب توده مثل سگ شکاری که پس از صید به شکار بی جان یورش می‌برد، به نرزیه حمله می‌کند و در کمال وقاحت اعلام می‌دارد که ما از اول نرزیه را قبول نداشتیم. مردم دوره جدید شماره اول چنین می‌نویسد:

"دولت موقت انقلابی یک شخصیت سرشناس ملی نظیر آقای نرزیه را به ریاست شرکت منصوب نموده و این انتصاب امید و انتظار برمی‌انگیزد." پس از برکناری نرزیه کیانوری چنین می‌گوید: (۱۶ مهر) "سیاست آقای نرزیه از اول مورد انتقاد ما بود. در نفت سیاست عدم تغییر در وابستگی نفت به امپریالیسم اجرامی شد و ریشه کن کردن امپریالیسم مطرح نبود. صاحبان قدرت و در نتیجه مصلحت خود حزب توده انجام می‌دهد. راستی، توده‌های ما، آپاشما خودتان به ریش کسانی که دروغ هایتان را باور می‌کنند نمی‌خندید؟"

حالا به یک نمونه از روش‌های حزب توده که نمونه بارزی از عوام‌فریبی، دست کم گرفتن شعور مردم و تحمیق توده‌ها و تحمیقی تحمیق خود هواداران و اعضای حزب توده است توجه کنیم. می‌دانیم که عناصر ساواک در حزب توده نفوذ کرده اند. می‌دانیم که جاسوسان "سیا" چون عباس شهریاری از طریق "حزب طراز نوین توده" صدمات جبران ناپذیری به جنبش کمونیستی ایران و جنبش‌های آزادیبخش خلق‌های خاورمیانه وارد آورده‌اند و نیز می‌دانیم که در میان صفوف حزب توده ساواکی‌های زرنگ آن قدر نفوذ کرده‌اند که حتی مسئول ایالتی حزب توده در اصفهان و کاندیدای این حزب در مجلس "خبرگان"، کسی که بنایسه

و طولانی وجه سیاسی سرانجام در مجلس موسسانی که چند برابر عضو داشته و بی تردید مدت کارش از یک سال و شاید دو سال هم در خواهد گذشت. چه چیز بهتر است؟ تصریح در امر تدوین و تصویب یک قانون اساسی خلقی و متکی به اراده مردم یا کش دادن مسئله و انقلاب را فاقد نهادهای قانونی و مستحکم و دائمی گذاشتن و امکان عمل جدی و استوار را از آن سلب کردن؟ به نظر ما پاسخ قاطعانه این است که شق نخست بهتر است. به نظر ما در حال حاضر مهم و عمده این است که ایران پس از انقلاب دارای یک قانون اساسی مترقی باشد. زمانی که قانونی به مراتب ارتجاعی تر از پیش نویس قبلی از دل مجلس خبرگان درآمد، باز هم "حزب توده" همانگونه که روش همیشگی همه جریانات و محافظی است که می‌خواهند به هر قیمت خود را به صاحبان قدرت نزدیک کنند، ضمن تلاش برای تحمیق توده‌ها، به صاحبان قدرت "ما آری" گفت و حتی به اندازه خود نمایندگان مجلس خبرگان نیز از این قانون انتقاد نکرد.

راستی اگر جناح قدرتمند حاکمیت از مجلس موسسان حمایت می‌کرد و جناح ضعیف تر آن خواهان مجلس خبرگان بود، باز هم حزب توده با همین حرارت از مجلس خبرگان حمایت می‌کرد و آن را مفید تر از مجلس موسسان می‌شمرد؟ و آیا اگر جناح قدرتمند هیئت حاکمه با قانون اساسی مجلس خبرگان مخالف بود، حزب توده باز هم جرات می‌کرد با صدای بلند به این قانون "ما، آری" بگوید؟

هرکس که یک جو عقل و یک سر سوزن انصاف داشته باشند، می‌پذیرد که حزب توده این عوام‌فریبی‌ها را نه برای مصلحت جنبش که برای نزدیک شدن به صاحبان قدرت و در نتیجه مصلحت خود حزب توده انجام می‌دهد. راستی، توده‌های ما، آپاشما خودتان به ریش کسانی که دروغ هایتان را باور می‌کنند نمی‌خندید؟

حالا به یک نمونه از روش‌های حزب توده که نمونه بارزی از عوام‌فریبی، دست کم گرفتن شعور مردم و تحمیق توده‌ها و تحمیقی تحمیق خود هواداران و اعضای حزب توده است توجه کنیم. می‌دانیم که عناصر ساواک در حزب توده نفوذ کرده اند. می‌دانیم که جاسوسان "سیا" چون عباس شهریاری از طریق "حزب طراز نوین توده" صدمات جبران ناپذیری به جنبش کمونیستی ایران و جنبش‌های آزادیبخش خلق‌های خاورمیانه وارد آورده‌اند و نیز می‌دانیم که در میان صفوف حزب توده ساواکی‌های زرنگ آن قدر نفوذ کرده‌اند که حتی مسئول ایالتی حزب توده در اصفهان و کاندیدای این حزب در مجلس "خبرگان"، کسی که بنایسه

ادعای کمیته مرکزی (مردم شماره ۴۵، ششم مرداد). "کارگری است که تمام زندگی آگاهانه خود را وقف آزادی زحمتکشان کرده است." ساواکی از آب درمی‌آید.

لیکن مادر اینجابه علت این پدیده که خود به تنهایی می‌تواند ماهیت این "حزب طراز نوین" افشا کند، نمی‌پردازیم و این کار به زمان دیگری موکول می‌کنیم. مادر اینجایی خواهیم توجه هم میهنان را به یک نمونه از فریب کاری‌های کمیته مرکزی حزب توده و تلاش آن در جهت تحمیق مردم، جلب کنیم.

کمیته مرکزی حزب توده پس از آشنایی نام اعضای ساواکی حزب از جانب گروه‌های مختلف، ساواکی‌ها را "رفقای مبارز"ی که برای خدمت در ساواک نفوذ کرده‌اند، معرفی کرده است. مای گوئیم این یک دروغ محض است. این احمق حساب کردن مردم است. این منتهای بی شرمی است. و دلیل این گفته خود را نیز به سادگی بیان می‌کنیم. مطمئن هستیم که "کمیته مرکزی حزب توده" در قبال این دلیل هیچ جوابی ندارد.

اگر کمیته مرکزی حزب توده راست می‌گوید و مدعی است که عدم ای از اعضای برجسته حزب برای خدمت به "حزب توده" و به دستور کمیته مرکزی ساواکی شده‌اند، قاعدتاً باید فهرست این "اعضای حزب" را که به دستور کمیته مرکزی در ساواک نفوذ کرده‌اند، داشته باشند. با توجه به این که گروه‌های مختلف هزار گاهی نام یکی از این افراد را افشای کند و سرانجام نام همه آنها افشا خواهد شد و حزب توده چه بخواهد و چه نخواهد باید برای روشن شدن حقایق از فعالیت‌های انقلابی این کادرهای خود پرده بردارد و با توجه به این که پس از افشای نام این افراد از جانب گروه‌ها و محافل مختلف دیگر کسی ادعای "حزب توده" را مبنی بر "مبارز بودن آنها باور نمی‌کند" و خلاصه با توجه به این که اگر نام این افراد از جانب گروه‌های دیگر اعلام شود، ممکن است در دل هواداران و اعضای حزب نیز شک ایجاد شود، حزب توده بیاید و یک باروی برای همیشه فهرست همه اعضای خود را که در سال‌های اختناق با نفوذ در ساواک به مردم خدمت کرده‌اند، منتشر کند و در ضمن خدمات این افراد را نیز بر شمارد تا ضمن معرفی فعالیت‌های حزب توده در سال‌های اختناق، امکان "تبلیغات مسموم علیه حزب توده" منتفی شود.

مطمئن هستیم که حزب توده هرگز چنین کاری نخواهد کرد و چنین لیستی را ارائه نخواهد داد. می‌دانید چرا؟ برای آن که حزب توده در ساواک نفوذ نکرده بلکه ساواک در حزب توده نفوذ کرده است. به همین دلیل است که کمیته مرکزی چنین لیستی را در دست ندارد. از همین رو است که اسم این "رفقای مبارز" باید نخست از جانب گروه‌ها و محافل دیگر افشاء شود، تا کمیته مرکزی نتواند "رفقای مبارز"ی را که به دستور حزب به عضویت ساواک درآمدند بشناسد و از آنان تبلیغ کند.

گفتگوی کوتاهی بایکی از رفقای سازمان "ارتش آزادیبخش خلق ترکیه"

(اتحاد مبارزه) «قسمت دوم»

این گزارش آخرین قسمت گفتگوی رفقای عضو سازمان "ارتش آزادیبخش خلق ترکیه" (اتحاد مبارزه) است که بخش نخست آن در "کار" ۳۶ به چاپ رسیده بود.

سؤال - رفیق، آیا شما به تضاد اصلی و عمده در ترکیه معتقدید؟ اگر هستید تضاد اصلی را در ترکیه چه می دانید؟
جواب: از آنجا که شیوه تولید کاپیتالیستی پرکشور ما حاکم است، تضاد اساسی، تضاد کار و سرمایه است و اما تضاد عمده تضاد بین فاشیسم و پایگاه مادی آن سرمایه انحصاری و نیروهای مخالف آن است. این نیروها عبارتند از:

طبقه کارگر، دهقانان فقیر و بطور کلی خرده بورژوازی.

سؤال - تعریف شما از تضاد اصلی و تضاد عمده چیست؟

جواب: تضاد اساسی در درون ساخت اجتماعی قرار دارد و تضادی است که سیستم اجتماعی را به حرکت درمی آورد این تضاد در نظامهای اجتماعی گوناگون فرق می کند. مثلاً در جامعه برده داری، تضاد بین بردگان و برده داران، در جامعه فئودالی، بین سرفهواران و در جامعه سرمایه داری، بین کار و سرمایه برقرار است. این تضاد است اساسی که تمام تضاد اجتماعی را مشخص می کند و آن را به حرکت وامی دارد. و اما تضاد عمده، تضادی است که از این تضاد اساسی ناشی می گردد و در درجه اول باید حل شود. به اعتقاد ما تضادی که برای حل تضادهای موجود میان دو تضاد در درجه اول بایستد حل شود، تضاد عمده است.

سؤال - مبنای تئوریک این تعریف شما چیست؟ و آن را از کجا گرفته اید؟

جواب: ما این تعریف را با حرکت از دیدگاههای مارکس، انگلس، لنین و استالین تدوین کرده ایم. منابعی که این چیزها به شکل شمساتیک در آنها پیدا شوند، وجود ندارد و به شکل عمومی می توانند از این تحقیقات بیرون آیند. حرکت از تضادهایی که مائو به اشکال عمده و اصلی و اساسی مطرح کرده، در درون حرکت کمونیستی جهان مسائلی پیش آورده، زیرا این تعاریف مجرد از هم دیگر مورد بررسی قرار گرفته اند و بین آنها و سایر تضادها نیز فرقی هست که باید جداگانه مورد بررسی قرار گیرند. تضادهایی که ما بیان می کنیم به این شکل مجرد نیستند و به این جهت ما با آن تعریف مخالفیم.

آثاری که این تعاریف به شکل شمساتیک در آنها پیدا شود، فقط نوشته های مائو است ولی با استفاده از آثار مارکس، انگلس و لنین است که محتوای درست مسئله را می توان دریافت.

سؤال - رفیق، شما گفتید که تضاد عمده عبارت است از تضاد خلق با امپریالیسم، بورژوازی وابسته و فاشیسم. طبعاً برای حل این تضاد باید پایه های مادی آن، یعنی سرمایه داری بزرگ و انحصارات از بین برود. از این صحبت نتیجه می گیریم که حل تضاد عمده، بخش عمده تضاد کار و سرمایه را حاصل می کند. آیا این استنتاج ما درست است یا نه؟

جواب: ما در هیچ جایی تضاد عمده را بین خلق و امپریالیسم نمی دانیم. زیرا تضاد مجرد، خود بخودی بین خلق و امپریالیسم نمی تواند مطرح باشد، همچنانکه روشن است، عبارت خلق در شرایط هر کشوری نسبت به مراحل انقلاب، طبقات و اقشار مختلفی را در بر می گیرد. در کشور ما در مرحله فعلی، در مفهوم واژه خلق، پرولتاریا، دهقانان فقیر و بطور عمومی خرده بورژوازی می گنجد. تضاد اینها با امپریالیسم، به دلیل وابستگی سرمایه داری انحصاری به امپریالیسم مطرح است. به همین دلیل حل تضاد خلق با امپریالیسم از کمال حل تضاد سرمایه وابسته انحصاری و اقتدارات آن می گذرد. حل آن نیز، وابسته به مبارزه مجرد خلق نیست، بلکه با مبارزه های طبقاتی به رهبری پرولتاریا امکان پذیر می شود. مبارزه خلق مجرد از محتوای تضاد مطرح نیست.

سؤال - رفیق، شما از حل تضاد عمده های که در دستور روز است، صحبت می کنید. نیروهایی که در دو طرف این تضاد قرار دارند، چه کسانی هستند؟ به عبارت بهتر، چه اقشار و طبقاتی در آن قسمت قرار دارند؟

جواب: در آنجا نیروهای ضد انقلاب در درجه اول عبارتند از:

فاشیسم و پایگاه مادی آن سرمایه انحصاری وابسته و در ارتباط با آن امپریالیسم نه مستقیم، بلکه غیر مستقیم و علاوه بر اینها بطور کلی بورژوازی. منظور از بورژوازی، سرمایه متوسط خارج از انحصارات و در عین حال وابسته به انحصارات است، اینها نیروهای ضد انقلابند. به علت اینکه سرمایه داری انحصاری در مناطق روستایی مانع حاکم شده، علاوه بر اینکه نیروهای ضد انقلاب سرمایه انحصاری بخش روستا هم مورد نظراس، صاحبان زمین های بزرگ و دهقانان ثروتمند نیز در این جناح جای می گیرند. نیروهای انقلاب بطور اساسی عبارتند از:

کسارگران و دهقانان فقیر و همراه آن بطور عمومی خرده بورژوازی شهر و روستا. در درون این بخش از خرده بورژوازی روستایی، علاوه بر دهقانان فقیر، تولید کنندگان کوچک و دهقانان میانه حال نیز جای می گیرند. در

همین دلیل انقلاب دموکراتیک، از بین بردن فشار انحصاری بر خرده بورژوازی راهم هدف قرار می دهد و به علت سهم داشتن خرده بورژوازی در قدرت، منافع آنرا حفظ می کند. سؤال - رفیق، توضیحاتی که دادید، در حقیقت دلایل مورد نظر ما نبود، بلکه تعریف انقلاب دموکراتیک بود. چرا انقلاب شما دموکراتیک است. یعنی چرا این نیروها در انقلاب شما شرکت دارند؟

جواب: اولاً خرده بورژوازی زیر فشار هر روزه اقتصاد سرمایه انحصاری خرد می شود و ثانیاً از نظر سیاسی نیز فاشیسم، انحصارات و سیاست های ارتجاعی آن خرده بورژوازی را زیر ضربه دارد. بدین ترتیب خرده بورژوازی نیروئی است که از نظر سیاسی و اقتصادی می تواند علیه انحصارات مبارزه کند. پرولتاریا نیز بدون مبارزه در راه سوسیال دموکراسی، نمی تواند به سوسیالیسم برسد و اگر هم بتواند در این مبارزه نقش پیشاهنگ را ایفا کند، تنها به کمک دهقانان فقیر از عهده انجام این مبارزه بر نخواهد آمد. به همین دلیل خرده بورژوازی نیز در این مبارزه در کنار پرولتاریا قرار می گیرد و این انقلاب یک انقلاب دموکراتیک خواهد بود.

سؤال - رفیق، مگر در فرانسه، انگلیس و بطور کلی در کشورهای اروپائی، خرده بورژوازی زیر فشار انحصارات نیست پس چرا در آنجا خرده بورژوازی را انقلابی بحساب نمی آوریم؟
جواب: درست است. آنجا نیز خرده بورژوازی تحت فشار است. اما اولاً فشار سیاسی ای که در آنجا بر خرده بورژوازی اعمال می شود با فشار بر روی خرده بورژوازی ما برابر نیست. ثانیاً در جاهای انحصاری و فشار اقتصادی بر خرده بورژوازی در اروپا و کشورهای متفاوت است. در کشور ما بورژوازی انحصاری هیچ حق دموکراتیکی برای خرده بورژوازی نمی شناسد. ثالثاً در کشورهای ما پرولتاریا بدون اینکه خرده بورژوازی را در کنار خود قرار دهد، قدرت به انجام رساندن مبارزه را ندارد، یعنی کیفیت و وضعیت تشکیل پرولتاریا در کشور ما با کیفیت و تشکیل پرولتاریا در کشورهای امپریالیست فرق دارد. سؤال - شما در آستانه تشکیل حزب هستید. چه وظایفی را بایده انجام دهید تا موفق شوید حزب طبقه کارگر را در ترکیه بنیان گذارید؟

جواب: حرکت پرولتاریا بدون سازمان دهی متمرکز و سرتاسری نمی تواند در مبارزه علیه بورژوازی موفق باشد و ما با این دید در جهت ایجاد حزب تلاش می کنیم. بنابراین، اولاً حزب باید سیاست مستقل طبقه کارگر را در پیش گیرد، ثانیاً به اساس طبقاتی پرولتاریا تکیه کند و ثالثاً سازمان دهی مخفی و مبارزه فقهراً میز را اساس قرار دهد و در جهت به کار گیری این اصول و اساس، دارای سازمان دهی متمرکز و سرتاسری باشد.

سؤال - شما می گوئید حزب باید به طبقه کارگر متکی باشد توضیح دهید که این اتکاتکا چه حد باید باشد؟

جواب: شرایط تشکیل حزب در هر کشوری متفاوت است و حزب باید با توجه به این شرایط بنا شود. به عنوان مثال در روسیه و بلغارستان، حزب در جریان تشکیل، قبلاً از اینکه به نیروی مورد نظرش اتکالی داشته باشد، به وجود آمده و تکمیل شده بود. اما در شرایط ما حزب در جریان تشکیل خود، از همان ابتدا باید حمایت طبقاتی پرولتاریا را جلب و جذب کند. منظور از تکیه بر اساس طبقاتی این است که پرولتاریا باید در درون این سازمان، بخش سنگین را تشکیل دهد و حرکت او در حد معینی توسط این سازمان رهبری شود. در کشورهای دیگر، در جریان تشکیل حزب، تعداد عناصری که پایگاه کارگری دارند، کمتر از عناصر و روشنفکران است اما در شرایط ما حتی از همان ابتدا کارهایی که پایگاه کارگری و دهقانی داشتند، اکثریت را تشکیل می دادند.

در تبدیل تشکیلات ما از سازمان به حزب، تغییرات اساسی روی نخواهد داد. ما در مبارزه سازمانی خود از مراحل مختلفی گذشته ایم و در این مراحل چه از نظر کارده های سازمانی و چه از نظر تشکیلات و سیاست سازمانی، رشد سریعی کرده ایم. ماتشکیلاتمان را طی این مراحل به شکل متمرکز سازمان دهی کردیم و سیاست ما در سازمان دهی، تشکیل یک حزب را هدف قرار داده بود. به این دلایل، ما از نظر تشکیلاتی ارگانهای مشخصه یک حزب را داریم، و از نظر سیاسی نیز برنامه حزب را مشخص کرده و تمام بخش های آن را تکمیل کرده ایم. این است که اکنون برای تبدیل شدن به حزب، طبعاً تغییرات بنیادی در پیش نخواهیم داشت. سؤال - آیا شما با سازمان ها و گروه های مارکسیست دیگر هم به وحدت رسیده اید؟

جواب: شرایط ترکیه با شرایط بسیاری از کشورهای که در آنها احزاب کمونیست به وجود آمده اند، بخصوص بلغارستان و روسیه متفاوت است. وقتی به پیرویه تشکیل

گسسته باد همه وابستگی های اقتصادی، سیاسی، نظامی و

شهرنیز بطور کلی خرده بورژوازی، چه روشنفکران خرده بورژوا و چه اصناف و سایر خرده بورژواها. سؤال - شما به جز پرولتاریا و دهقانان فقیر که نیروهای انقلاب سوسیالیستی هستند، خرده بورژوازی را هم جزو نیروهای انقلاب به حساب می آورید، خرده بورژوازی را در روستا دهقانان فقیر، تولید کنندگان کوچک و میانه حال و در شهرها روشنفکران و کسبه می دانید. آیا از نظر اقتصادی این اقشار جزو استثمار شونده ها به شمار می روند یا استثمار کنندگان؟

جواب: به جز طبقه کارگر و دهقانان فقیر، بورژوازی شهرونده اقشاری نیستند که مستقیماً با فروش نیروی کار خود استثمار شوند اما در داخل سیستم سرمایه داری وابسته کسبه از یک طرف بورژوازی به طرق سیاسی آنها را تحت فشار می گذارد و از طرف دیگر به طرق اقتصادی، یعنی ارزشی که اینها با تکیه بر کار خود ایجاد می کنند، مورد هجوم و استثمار قرار می گیرد.

سؤال - معیار شما برای تفکیک اقشار میانه دهقانان، از اقشار بالائی آن چیست؟

جواب: دهقانان فقیر، کوچک، متوسط و ثروتمند را باید در شرایط خاص هر کشور تعریف کنیم، اگر آنها را بر حسب مقدار زمین ها مشخص نمائیم، دچار اشتباه می شویم. آنها به شکل عمومی چنین از یکدیگر متمایز می شوند:

دهقانان کوچک یا تولید کنندگان کوچک روستا. بازمین کوچک خود نمی توانند زندگی خود را تأمین کنند و در مواردی مشخص بنا به دلیل مذکور به فروش نیروی کار خود نیز می پردازند.

دهقانان متوسط با فعالیت روی زمین خود می توانند گذران زندگی کنند و در سالهایی که فصل خوب باشد می توانند محصول اضافی نیز به دست آورند، حتی گاهی دو کارگر نیز به کار می گیرند.

و اما دهقانان ثروتمند، روی زمین خود کار نمی کنند و همیشه کارگر اجیر می کنند. اینها محصول اضافی به دست می آورند و رفتمرتبه بردارند و افزوده می شود. این دهقانان صاحب زمین های بزرگی هستند که پیوسته و وسعت بیشتری می یابند.

سؤال - رفیق، شما قشرهای بالائی و مرغه دهقانان را که جزو نیروهای ضد انقلاب به حساب می آورید، به چه وسیله از سایر اقشار مشخص می کنید؟ آیا آنها را با این خصیصه که آقدر درآمد دارند که می توانند انباشت هم بکنند، از دیگران جدا می کنید یا ضابطه دیگری دارید؟

جواب: در ترکیه دهقانان ثروتمند بطور عمومی مانند کلیه کشورهای که در آنها کاپیتالیسم در روستاها حاکم شده مدافع سیستم سرمایه داری و وابسته انحصاری می باشند. از این طریق است که آنها می توانند به موجودیتشان ادامه دهند و انباشت سرمایه داشته باشند. بنابراین تنها به خاطر انباشت سرمایه نیست که در طبقه نیروهای ضد انقلاب قرار دارند، بلکه وابستگیشان به سرمایه انحصاری نیز مزید علت است.

سؤال - چرا دهقانان ثروتمند به انحصارات وابسته اند و دهقانان میانه حال این وابستگی را ندارند؟

جواب: در کشورهای مثل ترکیه، انباشت سرمایه و افزایش زمین دهقانان ثروتمند فقط در رابطه با انحصارات و وابستگی به آن تأمین می شود. در شهرها افرادی هستند که در روستا زمین های بزرگی دارند و از این طریق ثروتمند می شوند و این در رابطه با کمک ها و وام های سرمایه های انحصاری امکان پذیر می شود. دهقان متوسط چنین وضعیتی ندارد، او نمی تواند وام های سرمایه انحصاری استفاده کند و در رابطه با فروش محصول می تواند از زیر فشار انحصارات کم را است کند و محصول را به قیمت دلخواه خود بفروشد. او از آنجا که ناگزیر است محصول خود را به قیمتی که انحصارات تعیین می کنند، به فروش برساند، منافعی را از دست می دهد و برخلاف دهقانان ثروتمند که هر روز زمین بیشتر و سرمایه افزونتری به دست می آورند، به دلیل کنترل فروش از طرف انحصارها هر روز فقیرتر می شود. به این ترتیب او در خط مبارزه با سرمایه انحصاری، و دهقانان ثروتمند، در خط دفاع آن قرار می گیرد.

سؤال - رفیق، چرا شما معتقد هستید که انقلاب شما دموکراتیک است و سوسیالیستی نیست؟

جواب: از نظر سیاسی فقط طی یک دوره دموکراسی سیاسی می توان به طرف انقلاب سوسیالیستی گذار کرد و از نظر اساس مادی نیز انقلاب سوسیالیستی از بین بردن تمام مالکیت خصوصی را هدف قرار می دهد، بنابراین انقلاب ما انقلابی است علیه فاشیسم و یک ساخت سیاسی ارتجاعی. انقلاب ما یک دموکراسی سیاسی را واقعیت خواهد بخشید و اقتداری که به وجود خواهد آمد، صرفاً اقتدار کارگران و دهقانان فقیر نیست، بلکه خرده بورژوازی هم درون آن جای می گیرد. به



حزب سوسیال دموکرات کارگری در روسیه نگاه می‌کنیم ، می‌بینیم که برنامه و اساسنامه آنها بعد از تشکیل حزب شکل گرفته ، مبارزه ایدئولوژیک با نظرات مختلف درون حزب انجام شده و اصول برنامه حزبی در مبارزه ایدئولوژیک درون حزب مشخص شده است . در ترکیه یک چنین پروسه ای طی نشد و مبارزه ایدئولوژیک از همان ابتدای سازمان‌های مختلف صورت گرفت . در ترکیه علت اینکه احزاب مختلف اپورتونیست برنامه خود را بطور همه جانبه تنظیم کرده بودند و از همان ابتدا مهم ترین اصول یک حزب مارکسیستی را برپا گذاشته بودند ، این مسئله که با همه آنها یکی بشویم و در یک تشکیلات مبارزه ایدئولوژیک راه پیش ببریم ، برای ما مطرح نبود . ما از بیرون وبه شکل گروه‌ها و سازمان‌های مختلف ناگزیر به پیشبرد این مبارزه ایدئولوژیک شدیم . این مبارزه ایدئولوژیک رفته رفته پایه‌های یک برنامه مشخص را گذاشت و امروز وحدت فقط بر اساس اصول ایسن برنامه مشخص می‌تواند مطرح باشد ، نه با همه جریان‌ها و فراکسیون‌ها . روشن است که اگر گروه‌ها یا سازمان‌های خط سیاسی این برنامه را قبول کنند ، وحدت با آنها خواهیم پذیرفت . در ترکیه گروه‌هایی هستند که تشکیلات منسجمی ندارند ، پیوسته اشعائاتی در درون گروه‌های اپورتونیست صورت می‌گیرد . علاوه بر اینها ، گروه‌هایی هستند که هنوز خط سیاسی شان روشن نیست . اینها نیز به طرف ماکشیده می‌شوند و ما حدیثان می‌کنیم .

سؤال - از نظر شما اصول وحدت ایدئولوژیک چیست ؟
یعنی اگر کسی بخواهد به شما پیوندد ، چه اصولی را باید قبول کند تا شما این گروه یا سازمان یا فرد را بپذیرید و یا با او وحدت کنید ؟

جواب : در ترکیه خطوط سیاسی مختلفی هست که برنامه‌های گوناگونی هم ارائه داده‌اند . یکی خطی است که مبارزه با فاشیسم و کاپیتالیسم را مطرح می‌کند . دومی خطی است که انقلاب دموکراتیک ملی و مبارزه علیه فئودالیسم و امپریالیسم را مدنظر قرار می‌دهد . علاوه بر اینها خطوطی هستند که انقلاب را سوسیالیستی می‌دانند . ما با خطوطی که انقلاب را دموکراتیک ، ضد فاشیستی و ضد امپریالیستی می‌شناسند ، در اصول کلی این خط ، می‌توانیم به توافق برسیم . اما توافق در جزئیات برنامه‌هایی که این خطوط گوناگون مشخص کرده‌اند ، امکان پذیر نیست . شرایط این توافق ، در مبارزات درون حزبی می‌تواند فراهم شود . از دیدگاه سازمان دهی نیز ، ما با کسانی که کار مخفی را اصل قرار داده و در عین حال امکانات علنی را رد نکنند و اصل قهر توده‌ای را نیز قبول داشته باشند ، بر این اساس می‌توانیم که به وحدت برسیم . در سیاست بین‌المللی هم هدف ما این است که با کسانی که صاحب دیدگاه‌های زیر باشند ، به توافق برسیم :

- ۱- سیستم سوسیالیستی را بپذیرند .
 - ۲- در مبارزات طبقاتی و در راه رسیدن به سوسیالیسم اتحاد کشورهای سوسیالیستی و سیستم سوسیالیستی را لازم بدانند .
- طبیعی است با کسانی که پیشبرد مبارزه را جدا از کشورهای سوسیالیستی و با علیه آنها می‌بینند ، نمی‌تواند وحدت صورت گیرد . آنها باید با قبول مبارزه در راه انترناسیونالیسم این نقطه نظر را در کنند که همه چیز از طرف کشورهای

گفتگوی کوتاهی با یکی از رفقای ...

بقیه از صفحه ۶

سوسیالیستی متوقع باشند و نیز در مبارزات درون کشور روابط بین‌المللی وظایف مبارزاتی خود را به جای آورند . و اما مسئله تز سوسیال امپریالیسم ، دیگر در ترکیه مسئله‌ای نیست و مائوئیست‌هایی که تز سوسیال امپریالیسم را قبول می‌کنند ، به هر شکلی هم که در آیند ، دیگر در درون جریان‌های انقلابی راه ندارند . آنها قیلا افشا و منزوی شده‌اند . بنابراین ، دیگر مبارزه علیه دیدگاه‌های آنها ، از حالت مسئله درون نیروهای انقلابی خارج شده است . ما معتقدیم که امروز جریان‌هایی که تز سوسیال امپریالیسم را مطرح می‌کنند ، یا با ارتجاع چین وحدت کرده‌اند و یا با ارتجاع دیگری و در درون صف امپریالیسم قرار گرفته‌اند و بنابراین آنها را در ارزیابی‌های خود ، جزو نیروهای ضد انقلاب به شمار می‌آوریم و روشن است که فقط کسانی که علیه ارتجاع چین و ارتجاع امپریالیستی موضع می‌گیرند ، می‌توانند در درون مبارزه مافرا گیرند .

سؤال - رفیق ، شما در برنامه‌ای که تهیه کرده‌اید به مسئله زمین چگونه پاسخ داده‌اید ؟
جواب : ما راه حل‌های خود را در مورد مسئله ارضی ، با در نظر گرفتن حاکمیت سرمایه‌داری انحصاری بیگان می‌کنیم . ورود سرمایه‌های انحصاری به روستاهای ما به عنوان مثال ، با نحوه رشد انحصارات روستایی به شکل :

- ۱- از طریق انحصارات روستایی تجاری
- ۲- از طریق قیمت‌گذاری انحصاری بر محصولات کشاورزی
- ۳- از طریق تجمع زمین‌ها و مزارع در دست بخش‌های خصوصی و یا دولت ، به شکل انحصاری
- ۴- در ترکیه ، کاپیتالیسمی که از طریق رفرم حاکم شده ، فئودالیسم را از راه تقسیم زمین‌های آنها تصفیه کرده است ، بلکه با حفظ این زمین‌های بزرگ ، آنها را به شکل سرمایه‌داری به کار انداخته است ، اربابان فئودال تبدیل به بورژواهایی شده‌اند که با وابستگی به انحصارات ، به کشت زمین‌ها ادامه می‌دهند و با استفاده از وام‌های بانکی نیز این حاکمیت تحکیم شده است . بنابراین راه حل ما در مورد مسئله ارضی ، با تکیه بر این دیدگاه‌ها چنین است :

- ۱- مصادره زمین‌ها از طریق قهر
- ۲- عمومی کردن زمین‌های مصادره شده
- ۳- کلکتیو کردن (جمع کردن) زمین‌ها
- ۴- ملی کردن زمین‌ها
- ۵- برقرار کردن حق تصرف تحت کنترل کمیته‌های انقلابی روستایی

سؤال - آیا در نقاط مختلف ترکیه ، ناهماهنگی رشد اقتصادی به چشم می‌خورد ؟ مسئله ملی در ترکیه چگونه است ؟
جواب : رشد کاپیتالیسم در ترکیه طبعاً در مناطق مختلف یکسان نبوده و نمی‌تواند هم باشد . اما در عین حال در تمام ایالت‌های ترکیه کاپیتالیسم با ساخت انحصاری خود حاکم شده است . در عین حال ، رشد ناهماهنگ کاپیتالیسم در نقاط مختلف ادامه دارد . روشن است که رشد ناهماهنگ کاپیتالیسم ، در رابطه با وابستگی به امپریالیسم ناهماهنگی‌ها را در بازار داخلی از بین نمی‌برد . مسئله ملی

نیز در رابطه با این ساخت اقتصادی در نظر گرفته می‌شود . به علت اینکه بورژوازی انحصاری به شکل متمرکز در داخل ترکیه حاکم شده ، بورژوازی حاکم ترک با بورژوازی کرد و سایر اقلیت‌ها ، با هم در وحدت قرار می‌گیرند و به قول لنین در واحدهای تولیدی مشترک نیز کارگران را از ملیت‌های مختلف یکجا به کار می‌گیرند . بنابراین مسئله ملی در ترکیه ، مسئله یک انقلاب است و حل آن با انقلاب پرولتاریا میسر است .

سؤال - در مورد مسئله ملی توضیحات بیشتری بدهید .
جواب : ما مسئله ملی را بطور کلی در مراحل مختلفی نگاه می‌کنیم . این مسئله را به سه شکل می‌توان بررسی کرد :

اول - دوره‌ای که کاپیتالیسم تازه به حاکمیت رسیده و بقول لنین و استالین ، مثل دوره‌ای است که در اروپای غربی حاکمیت ملی مختلف برقرار می‌شود .
دوم - در دوره امپریالیسم ، در ارتباط با امپریالیسم و کشورهای عقب نگاه داشته شده ، مسئله ملی به شکل مبارزه با امپریالیسم بروز می‌کند و بورژوازی ملی نیز در درون این مبارزه ضد امپریالیستی جای می‌گیرد و انقلاب‌های بورژوا - دموکراتیک صورت می‌پذیرد . در جریان انقلاب روسیه یک چنین مسئله‌ای پیش آمده بود . در آنجا حل مسئله ملی به شکل دموکراتیک ، قبل از هر چیز در مبارزه علیه امپریالیسم و استعمار می‌توانست تحقق یابد . و اما بعد ها که امپریالیسم بورژوازی را در کشورهای وابسته نیز رشد داد و این بورژوازی با امپریالیسم توافق کرد و وارد روابط وابستگی شد ، این نتیجه را به دست داد که مسئله ملی تنها در یک مبارزه مشترک به رهبری طبقه پرولتاریا می‌تواند حل شود و بورژوازی دیگر کیفیت پیشاهنگی مبارزه در جهت حل مسئله ملی را ندارد .

به این دلیل ، حل مسئله ملی فقط در مبارزه علیه امپریالیسم میسر نیست ، بلکه علیه بورژوازی داخلی نیز در این زمینه باید مبارزه شود . بنابراین مسئله خلق‌های تحت ستم و مستعمرات تنها بر این اساس می‌تواند حل شود . در ترکیه نیز ، وضعیت فوق و در هم آمیزی بورژوازی ملت حاکم و ملت تحت ستم و وابستگی آنها را به سرمایه امپریالیستی می‌بینیم . به این جهت در ترکیه نیز مسئله ملی ، در مبارزه‌ای به سرکردگی و پیشاهنگی طبقه کارگر و دهقانان فقیر می‌تواند حل شود .

باید دانست که مسئله ملی ، مسئله تمام ملت ترک یا کرد نیست . این مسئله برای بورژوازی کرد حل شده ، زیرا برای بورژوازی ، مهم ، مسئله بازار است . بورژوازی کرد از بازار سهمش را می‌گیرد و نه تنها از بازار کردستان ، بلکه در درون سیستم انحصاری وابسته ، از بازارهای سایر مناطق ترکیه نیز سهمی می‌گیرد و روشن است که در برابر مبارزه ملی در کردستان ، خواهد ایستاد . این مسئله در کردستان برای دهقانان و خرده بورژوازی ، به خاطر سیستم فکری ناشی از مالکیت خصوصی مطرح است و امروز به صورت مسئله دهقانان و خرده بورژوازی در آمده است که با پیشاهنگی پرولتاریا می‌تواند حل شود .

طبقه کارگر و زحمتکش کرد برای آنکه هر چه سریعتر به سوی سوسیالیسم پیش روند ، این مسئله را نیز باید حل کنند و با تعلیم و تربیت پرولتری رشد بقیه اقشار را در این زمینه هر چه کامل تر سازند . حقوق ملیت‌ها ، همچنانچه در سایر کشورهای مطرح است ، با معنی حق تشکیل دولت مستقل درک می‌شود . این امر هم با تحقق انقلاب در ترکیه می‌تواند حل شود .

وزارت کشاورزی حامی زمینداران بزرگ و ...

بقیه از صفحه ۱۲

مردم را در حل مسئله باغات غصب شده شان می‌آوریم .
۱- باغ‌ها بدون هر نوع دفع الوفتی به صاحبان اصلی آن یعنی روستائیان واگذار شود .
۲- در مورد پرداخت حق السهم روستائیان از فروش محصول سال جاری تجدید نظر شود و همان مبلغ توافق شده اولیه یعنی ۸۰٪ به روستائیان پرداخت گردد .
۳- در مورد جبران خسارات روستائیان در طی سال‌هایی که باغ‌ها بدون جهت در اختیار سازمان عمران بوده و درآمد حاصل به روستائیان پرداخت نشده ، فوراً اقدام شده و خسارات ناشی از آن بی درنگ به روستائیان پرداخت گردد .
۴- همانگونه که روستائیان توافق کرده بودند باغ‌ها بصورت شورا می‌مورد بهره برداری قرار گیرد و سازمان عمران باید تمامی خدمات لازم را در اختیار شورای اداره کننده که منتخب روستائیان و کشاورزان زحمتکش باشد ، قرار دهد .

درآمد حاصل از فروش به نسبت ۲۰٪ به ترتیب بین روستائیان و سازمان عمران (برای جبران مخارج جاری باغ) تقسیم گردد ولی از آنجائی که نمایندگان و کارگزاران ، زمین‌داران و سرمایه‌داران بزرگ همچنان پست‌های حساب وزارت کشاورزی را در اختیار دارند ، نسبت فوق‌را بعدها در صورت جلسات ساختگی تغییر دادند و نهایتاً سهم روستائیان به ۱۵٪ کاهش یافت . اما همین مبلغ هم تا این اواخر پرداخت نشد و واگذاری باغات به صاحبان اصلی آن همچنان مسکوت مانده است . به این جهت کشاورزان و روستائیان زحمتکش با اعلام خواست‌های خود متحداً در بازار پس گرفتند زمین‌ها و باغ‌های غصب شده به مبارزاتشان ادامه داده و در این راه ناپای جان پیش خواهند رفت . در اینجا موارد عمده مورد تائید

تمام ماند و حضور سرمایه‌داران وابسته و زمین‌داران بزرگ همچنان در قدرت حاکمیت بر همگان عیان بود با وجود این از قاطعیت زحمتکش‌ان درهای گاسته نشد و در تعدادی از روستاها در فزوین ، روستائیان باغ‌ها را مصادره کرده و ما سوران سازمان عمران را اخراج کردند . بالا گرفتند مصادره باغات هیئتی از طرف وزارت کشاورزی ما مور رسیدگی به جریان شد . هیئت مذکور پس از بررسی مسئله در محل ، در گزارش خود به تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۵۸ بر حقانیت روستائیان صحت گذاشت و اکتفا معتقد بود که باغات باید به صاحبان اصلی آن یعنی روستائیان واگذار شده و به حقوق غصب شده آنان رسیدگی شود . در مورد برداشت محصول سال جاری نیز قرار می‌شود که محصول زیر نظر روستائیان برداشت شده و

۴۸ درصدی کسب حقوق خود بارها به مراجع مختلف شکایت بردند . پس از قیام بهمن ماه روستائیان امیدوار بودند که موانع واگذاری از پیش پایشان برداشته شود و آنان به حقوق پایمال شده شان برسند . ولی از آنجائی که در حاکمیت سرمایه‌داران وابستهمو زمینداران بزرگ در کنسار قشربون نمی‌خواستند به هیچیک از اهرم‌های قدرت دولتی نظیر ارتش و نظام اداری و غیره آسیب برسد به این جهت تلاش خود را در جهت حفظ و حراست از آن قرار دادند و علیرغم تمام سعی ادعاهایشان از مشارکت مردم در کارها جلوگیری به عمل آوردند . به این ترتیب با حفظ سیستم قبلی طبیعتاً کشاورزان و زحمتکش‌ان فزوین نیز همچنان تحت استثمار گردانندگان و پاپه گذاران سازمان عمران قرار داشتند . اما اگر چه انقلاب

اولیه که به امضاء طرفین قرارداد (کشاورزان و سازمان عمران) رسیده بود می‌بایست پیرا گذشت ۵ سال از زمان احداث باغ به صاحبان اصلی آن یعنی روستائیان واگذار شود . اما موانع اساسی در این راه وجود داشت . اول این که این سازمان عظیم که دیگر مخارجش سر به جهنم می‌زد و واگذاری باغات را با از هم پاشیدگی خود برابر می‌دید و به شدت با این عمل مخالف بود و حتی از واگذاری آن به موسسه دیگری نظیر "تعاون روستایی" خودداری می‌کرد . دوم این که سردمداران وقت وزارت کشاورزی در کنار دیگر سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ هر سال میلیونها تومان از درآمد باغات را غارت می‌کردند و به عناوین ودلایل مختلف چنین وانمود می‌کردند که واگذاری باغات به کشاورزان صلاح و مصلحت دولت نیست . در این میان روستائیان علیرغم همه سرکوب‌ها و فشارهایی که متحمل می‌شدند هیچگاه از اعتراض باز نایستادند و از سال

فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا

نظری برصف آرائی های جهانی

دوستان و دشمنان جنبش ضد امپریالیستی - دموکراتیک ...

دولت ایران در بانک های آمریکا فزونی گرفت. به دنبال آن بانک های آمریکا در اروپا با استفاده از امکانات قانونی آن کشورها در صدد بلوکه کردن دارائی های دولت ایران در این کشورها برآمدند. مثلاً شعبه لندن بانک "کمیکال بانک نیویورک" برای دریافت ۵۱۰ میلیون دلار طلب خویش از ایران خواستار بلوکه شدن سپرده های بانک مرکزی ایران در انگلستان شد. دادگاهی که برای این کار فراخوانده شده بود، مجوز به اصطلاح قانونی لازم را صادر کرد در آلمان "کمیته مورگان گرانتی" آمریکا با اقدامات خویش از طریق دادگاه، ۲۵٪ سهم دولت ایران در کوپ راتوقیف نمود. در فرانسه شعبه های مختلف بانک های آمریکا همین عمل را انجام دادند "بانک آو آمریکا" که یکی از بزرگترین بانک های تجاری آمریکا است، به بهانه دریافت ۳۰۰ میلیون دلار طلب خویش علیه ایران به دادگاه شکایت کرده و می گوید از سپرده های مسدود شده برداشت نماید. فشار همه جانبه انحصارات مالی زمانی بیشتر درک می شود که به درخواست "دیوید راکفلر" از بانک های طرف معامله با ایران توجه کنیم. "دیوید راکفلر" از تمام بانک های که از ایران طلبکار می باشند، دعوت کرده که به خاطر به اصطلاح عقب افتادن بازپرداخت وام های خود از ایران دست به اقدامات جدی بزنند و برای دریافت طلب خویش هر چه سریعتر اقدام کنند.

می گفتند، اگر سپرده های پولی ایران را از بانک های آمریکائی خارج می کردند، اگر از همان ابتدا رابطه دلار با ریال را قطع می کردند، اگر پول نفت را با ارزی به جز دلار دریافت می کردند، اکنون امپریالیسم آمریکا نمی توانست با بلوکه کردن ذخایر ارزی ایران اقتصاد ما را در تنگنا قرار دهد و دست کم ۹ میلیارد دلار از ثروت ملی ما را ضبط نماید. ناگفته نماند است که امپریالیسم آمریکا در عرض اندام های کنونی خود تا چه حدی مدیون سیاست آقای بازرگان، این نخست وزیر "منتخب امام" است. و باز ناگفته نماند

بدون همدستی احزاب لیبرال و محافل لیبرال، امپریالیسم آمریکا هرگز به این صورتی که اکنون مطرح است، نمی توانست با اقدامات خود اقتصاد ما را در تنگنا قرار دهد.

که اقدامات آیت الله خمینی در ایران دوستی با لیبرال ها و صدور فرامین پی در پی برای سپردن امور به "بازرگان ها" و "یزدی ها" تا چه میزان در موثر افتادن فشار اقتصادی انحصارات آمریکائی و دیگر امپریالیست ها دخالت دارد. جالب این است که پس از گذشت ده ماه از قیام توده های میهن ما، خواستار انقلابی کارگران ایران در مصادره انقلابی امپریالیسم و سرمایه های آمریکائی، به عنوان اقدامات "بهانه جویانه" و "ضد انقلابی" توسط شورای انقلاب اسلامی سرکوب می گردد. این حقایق همه نشان می دهند که بدون همدستی احزاب و محافل لیبرال امپریالیسم آمریکا هرگز به این صورتی که اکنون مطرح است، نمی توانست با اقدامات خود اقتصاد ما را در تنگنا قرار دهد. این حقایق همه نشان می دهند که مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه طبقاتی، از مبارزه علیه طبقه سرمایه دار که تنها ما وابسته است و به ویژه در شرایط کنونی از مبارزه با سرمایه داری لیبرال جدا نیست. "کارتر" امید زیادی به "بهترین دوستان خود" نظیر بازرگانها و یزدی ها بسته است.

فشار سیاسی دولت های امپریالیستی

فشار انحصارات درسیاستی که دولت های امپریالیستی اتحاد کرده اند نیز انعکاس دارد. این فشار ماهم به تکی ترکیب و ماهیت هیئت حاکمه به پیش رانده می شود. امپریالیسم آمریکا از طریق فشارهای خود تحکیم موقعیت سیاسی طبقه سرمایه دار ایران را در هیئت حاکمه مدنظر دارد. پشتیبانی امپریالیسم آمریکا از لیبرال ها برای تقویت نفوذ آنها در هیئت حاکمه و کسب

بقیه از صفحه ۱

سهم بیشتر در قدرت سیاسی به اشکال گوناگون صورت می گیرد. نخستین واکنش های سیاسی آمریکا، در ارتباط با تسخیر سفارت بایک سلسله تصمیمات سیاسی دولت و سنای آمریکا آشکار شد. مجلس نمایندگان آمریکا در تاریخ

حمایت نمود. هم چنین وزیرای ۹ کشور عضو جامعه اقتصادی اروپا (بازار مشترک) علیه اقدامات ضد امپریالیستی مردم میهن ما موضع گرفتند. پارلمان اروپا نیز تصمیم گرفت که مسئله تسخیر سفارت را در دستور کار خویش قرار دهد. امری که بطور حتم به اعلام حمایت پارلمان اروپا از آمریکا منتهی خواهد شد. "برژینسکی" و "ونس" طراحان سیاست های انحصارات آمریکائی به کوشش های جدیدی دست زدند.

حکومت فاشیستی عراق کوشش می کند از مبارزه طبقاتی موجود در ایران به نفع مقاصد ارتجاعی خویش استفاده کند.

۲۳ آبان با ۳۷۸ رای موافق و بدون رای مخالف تقاضای دولت آمریکا را مبنی بر تحریم اقتصادی و نظامی ایران تصویب کرد. "هوارد بیکر" رهبر اقلیت در سنای آمریکا که تا مزد ریاست جمهوری نیز هست، سیاست های کارتر را تأیید کرد، سناتور "فرانک چرچ" رئیس کمیته روابط خارجی سنای آمریکا خواستار آن شد تا زمانی که گروهان ها آزاد نشده اند، از خرید نفت ایران خودداری شود. امپریالیسم آمریکا، اقدامات سیاسی و تبلیغاتی خویش را در آمریکا برای وارونه جلوه دادن مبارزات ضد امپریالیستی مردم ما به آن پایه رسانده که قیمت پرچم ایران به ۱۳ دلار رسید.

در دشمنی علیه جنبش ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلق های ایران همه کشورهای امپریالیستی و همه دولت های وابسته به امپریالیسم در یک جبهه قرار دارند. "هلموت اشمیت" صدراعظم آلمان غربی در سخنرانی خود در کنفرانس ملی حزب سوسیال دمکرات برلین غربی اعلام می کند که: "امریکائی ها نه تنها متحد آلمان بلکه دوستان ضمیمی ما هستند." "فرانس جوزف اشتراوس" نامزد حزب دمکرات مسیحی برای انتخابات صدارت عظمای آلمان اعلام کرد که تحریم نفتی آمریکا کاری از پیش نمی برد و خواهان مداخله نظامی آمریکا در ایران شد. امپریالیسم انگلیس و رئیس دولت آن خانم "تاچر" از مواضع آمریکا در برابر ایران حمایت کرد. امپریالیسم فرانسه و رئیس جمهور آن "ژسکار دستن" در روز ۳ آذر سکوت ممتد و پرمعنی خود را شکست و با محکوم کردن تسخیر سفارت به حمایت از آمریکا برخاست در حالیکه گروهی از انحصارات ژاپن صادرات به ایران را قطع کرده اند، دولت ژاپن که در آغاز موضع صریح و روشنی اتخاذ نکرده بود، با توجه به ویژگی های اقتصادی خود به آهستگی به موضع کشورهای اروپائی مثل آلمان پیوست. دولت آمریکا در اقدامات سیاسی خود موفق می شود ارکان های فارمای اروپا را نیز با خود هم آواز کند، بطوریکه شورای اروپا در اجلاس سالانه اش با شرکت وزیران خارجه ۲۱ کشور عضو جمله ترکیه، تسخیر سفارت آمریکا را محکوم کرد و از موضع دولت آمریکا

"فرانس در هر اقدام دیپلماتیک برای آزاد کردن گروگان های آمریکائی در تهران شرکت خواهد کرد." آمریکا به موازات این اقدامات کوشید ایران را از طریق سازمان ملل و دیوان عالی لاهه، به انزوا کشاند. شورای امنیت پس از ده روز بحث و جدل، قطعنامه ای ۴ ماده صادر نمود. در این قطعنامه بدو آنکه خواست خلق ایران در مورد استرداد شاه ذکر شود، از موضع آمریکا حمایت شده است، دیوان عالی لاهه نیز سرانجام حکم محکومیت مبارزات ضد

مردم و پیتنام که خود پیشگام مبارزات ضد امپریالیستی در جهان بودند، بخوبی به اهمیت این مبارزه واقف هستند و مطمئن اند دارند که مردم ایران همچون مردم ویتنام قطعا در این مبارزه پیروز خواهند شد.

کشورهای عربی علیه مبارزات ضد امپریالیستی منطقه فعالانه دست به کار شده است و به امپریالیسم آمریکا، از باب خودیاری می کنند تا تکیه بر غارت نفت عربستان و نمود کنند که از نفت ایران بی نیاز است. جمهوری اسلامی پاکستان، علیرغم برخورداری از "التفات های جمهوری اسلامی ایران، به شکلهای مضحکی می کوشد در مقابل بارش مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران وظیفه حمایت و پاسداری از مفاصل ارتجاعی خود، امپریالیسم آمریکا را به پیش در تعقیب ... بقیه در صفحه ۹

دولت کارتر را با اقدام نظامی دعوت کرد. "سادات" روز جمعه ۹ آذر اعلام کرد که حضرات در مصر از شاه پذیرائی کند. حزب ناسیونال دمکرات مصر تقاضای دادن پناهندگی سیاسی به شاه جانی کرد. پس از ملاقات "فهد بن تیمور" معاون نخست وزیر سرپرست وزارت دفاع و امنیت دولت وابسته عمان با سفیر آمریکا و فرمانده ناوگان هفتم آمریکا و ملاقات این دو با سرپرست وزارت امور خارجه عمان "سلطان قابوس بن سعید" با اعلام اینکه "عمان" تصمیم دارد "از حق کشتیرانی آزاد در این گذرگاه دفاع کننده" نقش فعالی در مقابل به جنبش ضد امپریالیستی خلق های ایران به عهده گرفت.

به علاوه بختیار جنایتکار نیز از طرف امپریالیسم آمریکا به کشور عمان می رود و در آنجا با فتوای الهی سیستان و بلوچستان و سایر محافل ارتجاعی که از جانب پانده سیاه چمران مسلح می شوند، به مشاورت می پردازد و برای هماهنگی و سازماندهی فعالیت های ضد انقلابی سرمایه داران لیبرال، فتوادل های مرتجع و محافل ضد انقلابی درون ارتش به تلاش می پردازد.

حکومت فاشیستی عراق کوشش می کند از مبارزه طبقاتی موجود در ایران به نفع مقاصد ارتجاعی خویش استفاده کند. این دولت بر زمینه سرکوب خلق عرب توسط جمهوری اسلامی ایران و مجری سیاست های امپریالیسم، در یادار مدنی، استنادار خوزستان زمین داران و شیوخ مرتجع عرب را سازمان داده است و با استفاده از احساسات قومی خلق عرب خوزستان تمام کوشش خود را به کار می بندد تا مبارزات برحق آنان را در راه کسب حقوق ملی، در خدمت سیاست های ارتجاعی خویش درآورد. دولت عراق سعی دارد جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق عرب را از درون متلاشی سازد و به جنبش سرتاسری آسیب رساند و به این وسیله خدمت خود را به امپریالیسم آمریکا انجام رساند.

حکومت وابسته و ارتجاعی عربستان چون گذشته به نفع امپریالیست ها در اوپک و کنفرانس

مردم میهن ما تا قطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

نظری برصف آرائی های جهانی

دوستان و دشمنان جنبش ضد امپریالیستی - دموکراتیک ...

بقیه از صفحه ۸

درخواست آمریکا از دولت استرالیا مبنی بر تحریم اقتصادی ایران، وزارت خارجه این کشور کوشش می کند که جنبه جدیدی از کشورهای وابسته جنوب آسیا علیه ایران تشکیل دهد. چنین سیاسی در آمریکا لاتین نیز اتخاذ گردید ماست مکزیک و اخیرا پاناما، از هیچگونه مساعدتی در حق امپریالیسم آمریکا و بهره سوخته و ساقط شده آن، "شاه" دریغ نورزید مانند.

دوستان در عرصه جهانی به دفاع از خلق های ما بر می خیزند! نیروهای برمی خواه جهان و

بدون توجه به پیوند مبارزه ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران با جنبه جهانی پیکار علیه امپریالیسم آمریکا، بدون درک این که انترناسیونالیسم پرولتری وجود دارد و مبارزه ضد امپریالیستی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران از پشتیبانی پرولتاریای سراسر جهان برخوردار است، قادر خواهیم بود در موضع گیری سیاسی، مشی درستی را اتخاذ کنیم.

دوست داران جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ما پایه های رشد مبارزه ضد امپریالیستی حمایت خود را از مبارزات مردم میهن ما گسترده تر ساختند. دولت مردم کوبا حمایت و پشتیبانی خود را اعلام کردند و ارتش سحر سفارت آمریکا در ایران ابراز شادمانی نمودند. ویتنام قهرمان اعلام کرد: "در مبارزه کنونی علیه آمریکا دولت مردم ویتنام در کنار مردم ایران هستند و از مبارزه بر حق مردم ایران علیه آمریکا بطور همه جانبه حمایت می کنند، مردم ویتنام که خود پیشگام مبارزات ضد آمریکائی در جهان بوده اند، به خوبی با همبستگی مبارزه واقف هستند و اطمینان دارند که مردم ایران همچون مردم ویتنام قطعاً در این مبارزه پیروز خواهند شد."

اتحاد جماهیر شوروی درباره مبارزات اخیر در ۶ آذر اعلام داشت که از مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران پشتیبانی می کند. جمهوری دمکراتیک خلق کره به وسیله "هردام" وزیر خارجه خود در پیامی اعلام کرد: "ما از شما در برابر تهدید نظامی و اعمال سیاست محاصره اقتصادی توسط امپریالیسم آمریکا کاملاً حمایت می کنیم."

عبدالفتاح اسماعیل رئیس کشور جمهوری دمکراتیک خلق یمن حمایت مردم و دولت خود را از مبارزه مردم ما برای "استرداد شاه مخلوع به خاطر جنایاتی که مرتکب شده و باز پس گرفته شدن سرمایه هایی که از ایران دزدیده است و متعلق به مردم ایران است" اعلام داشت. "عزالدین مبروک" وزیر نفت لیبی در پشتیبانی کامل از مبارزات ضد امپریالیستی مردم میهن ما، بلوکه کردن سپرده های ارزی ایران در آمریکا را اقدام راهزنانه خواند.

دکتر "جرج حبش" دبیرکل جنبه خلق برای آزادی فلسطین در پیامی از طرف کمیته مرکزی جنبه اعلام کرد: "ما از مبارزات شجاعانه و قهرمانانه خلق های ایران علیه امپریالیسم با تمام نیرو و حمایت می کنیم. دبیرکل کنگره ملی افریقا "الفردترو" در پیام خود از همبستگی با مبارزات مردم ما سخن گفت. علاوه بر آنچه که گفتیم ۱۶ جنبش ضد امپریالیستی از جمله "سازمان جنبه عربی افریقا در نامیبیا"، "اتحاد خلق افریقای

امپریالیستی - دمکراتیک به تلاش دوران ساز تازه ای دست زد مانند، بیش از یافته های ذهنی خود اهمیت یا ارزش قائل شود. بدون توجه به پیوند مبارزه ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران با جنبه جهانی پیکار علیه امپریالیسم آمریکا، بدون درک این که انترناسیونالیسم پرولتری واقعا وجود دارد و مبارزه ضد امپریالیستی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران از پشتیبانی پرولتاریای سراسر جهان برخوردار است، قادر خواهیم بود، در موضع گیری سیاسی، مشی درستی را اتخاذ کنیم. انترناسیونالیسم پرولتری به ما حکم می کند چنانکه موضع گیری نادرست یا انحرافی از جانب دیگران مشاهده کردیم با صداقت و صراحت و قاطعیت به نقادی آن پردازیم، خطاهار را محکوم کنیم و در تصحیح خطا در جنبش جهانی موثر افتیم. سمت گیری ما در رابطه با روند مبارزات ضد امپریالیستی که در میهن ما جریان دارد، بسا سمت گیری نیروهای ترقیخواه در عرصه جهانی هر چند یکسان نیست - و ما بر آن تاکید داریم - ناقص یک دیگر هم نیست. آن دسته از رفقای که مبارزه با

به دنبال تسخیر سفارت آمریکا، هم در میهن ما و هم در عرصه جهانی راه برای تشخیص صحیح تر دوستان و دشمنان مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده های قیام کننده هموارتر شده است.

"ارتجاع حاکم" را، مبارزه با روحانیت را، وظیفه عمده کمونیست ها می پندارند، طبیعتاً موظفند از همه نهضت های رهائی بخش خلق ها و تمام بلوک بندی های جنبش جهانی کمونیستی و کارگری، به علت پشتیبانی شان از آن چه که او را دشمن عمده می دانند مشخصاً انتقاد کنند. دوستانی که مبارزه با ارتجاع را عمده می شمارند نه تنها در درون جنبش خلق هرگز متحدی برای خود نخواهند یافت (البته در خارج از این جنبش لیبرال هادست یاری به سویشان گشوده اند)، بلکه در سطح جهانی نیز به همان انزوائی کشیده می شوند که در سطح جنبش بلوک تاریخی - طبقاتی خلق به آن مبتلا هستند.

همه این حقایق نشان می دهد که مبارزه ضد امپریالیستی و رهائی بخش خلق ما، همیمن مبارزه ای که بطور عینی در حال گسترش است، جزئی از پیکار جهانی خلق های سراسر جهان علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است. پیکاری است که نیروی محرکه آن طبقه کارگر همه کشورها و مدافعان آرمان پرولتاریا در سراسر جهان یعنی جنبش جهانی کارگری و کمونیستی است.

به دنبال تسخیر سفارت آمریکا، هم در میهن ما و هم در عرصه جهانی راه برای تشخیص صحیح تر دوستان و دشمنان مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده های قیام کننده هموارتر شده است.

به دنبال تشکیل کمیته ای مرکب از عناصر جنبش کارگران و اطلاعات در ارتش تعدادی از پرسنل انقلابی ارتش تحت عنوان باصطلاح پاکسازی اخراج شدند.

تعدادی از پرسنل انقلابی ارتش

تحت عنوان باصطلاح پاکسازی اخراج شده اند

در ارتش کمیته ای مرکب از ۵ تن از افسران به نام های سرهنگ فروزان، سرهنگ ایمانی، سرهنگ فوقانی، سرتیپ شیرازی و ستوان میران تشکیل گردیده است که پرسنل انقلابی را به وسیله انجمن اسلامی موجود در یگان ها که عموماً لانه جدید عوامل و عناصر جنایتکار اطلاعات و اطلاعات ارتش رژیم سابق شده است، مورد شناسائی قرار می دهند. این کمیته تحت عنوان به اصطلاح پاکسازی تاکنون تعداد زیادی از پرسنل انقلابی و مبارزان به ویژه از میان درجه داران اخراج کرده است. و این در شرایطی است که وابستگان به رژیم سابق و مزدوران امپریالیسم یکسای پس از دیگری مجدداً پست ها و مقام های سابق خویش را در ارتش اشغال نموده و ارتقاء مقام نیز یافته اند.

اولین اقدام چمران جلاد بعد از اشغال پست وزارت دفاع به دست آوردن تصویب نامه ای بود از هیئت وزیران مبنی بر اخراج جمعی ۳۶ درجه دار و ۱۴ کارمند نیروی هوایی به اتهام "انجام اعمال ضد انقلابی". در لیستی که ضمیمه این تصویب نامه است در مقابل اسمی بعضی از پرسنل نیروی هوایی به عنوان اتهام کلماتی مانند چپی، ضد انقلاب و طرح مسائل آن، بی بهره، مخالف جمهوری اسلامی، ضد انقلاب به نام

معنی، پخش کننده اعلامیه های فداکاران، عدم کارائی و چپی و مبلغ آنها در یگان ها، مخالف روحانیت، چپی و ناسرکشی، کمونیستی، ضد امام و روحانیت، ضد انقلاب و کمونیست، منافق و دارای گرایش های ضد مردمی نوشته شده است. در عین حال برای لوٹ کردن مبارزات ثمر بخش و قاطعانه پرسنل انقلابی اخراجی در بین اسامی پرسنل مبارزان گاه نام برخی از عوامل شناخته شده رژیم سابق نیز آورده شده است و البته چند تن از عوامل یاد شده طبق سند مذکور قرار می گیرند. چنین اقدامات خیانت آمیزی از سوی امثال چمران ها که می گویند مبارزات را از وجود هر نیروی آگاه و مبارزتهی سازد، امری طبیعی است. زیرا فقط در چنین صورتی است که رژیم موفق خواهد شد از ارتش در سرکوب مبارزات خلقی و دفاع از منافع سرمایه داری وابسته و ارتجاع استفاده کند. اما این هشدار است برای آن دسته از پرسنل ارتش که با آگاهی به حقانیت مبارزات خلقی دیگر نمی خواهند سرکوب خلق در دست ارتجاع وابسته به امپریالیسم باشند. وظیفه این دسته از نظامیان آن است که با بسیج هر چه بیشتر نیروی خویش در جهت تحقق شوراها و واقعی خودارزادگی این اقدامات ضد انقلابی جلوگیری نمایند.

تصویری از یک سند اداری یا نامه رسمی که شامل متن فارسی و امضاهاست.

جدول با ۴ ستون: نام، نشان، تاریخ، و سایر مشخصات پرسنل. شامل اسامی و رتبه های مختلف است.

پشتیبانی از هیئت نمایندگی خلق کرد وظیفه مبرم همه نیروهای مبارز و انقلابی ایران است

نفتگران مبارز می گویند:

مبارزه با امپریالیسم یعنی افشاء و لغو قرارداد های ...

انقلابی در صنعت عظیم نفت از مهره های سرسپرده امپریالیسم آمریکا و ... واقف هستند. اما در ده ماه گذشته دولت سدره نیروی لایزال ضد امپریالیستی خلق های قهرمان ایران و به ویژه نفتگران شده بود. خواست مکرر نفتگران در خصوص افشای قرارداد ها و مذاکراتی که با نمایندگان انحصارات نفتی صورت می گیرد تاکنون بی جواب مانده است. با روشن شدن چنین مسائلی است که از یک طرف نقش امپریالیسم و جنبه های مهم حضور آن در مینمان روشن می شود و از طرف دیگر خواهیم توانست با سلاح

خلق قهرمان ما و به ویژه کارگران و زحمتکشان نشان داد مانده که مبارزه ضد امپریالیستی تنها به حمایت و پشتیبانی از دانشجویان مستقر در سفارت آمریکا محدود نمی شود و نباید بشود. بلکه باید بر تمام جنبه های حضور امپریالیسم (اقتصادی - سیاسی - نظامی و فرهنگی) یورش برد.

توده های دست به افشای قرارداد ها و موارد اختلاف، نتیجه مذاکرات و موارد حاکم بر روابط فعلی بزنند، ناگفته نماند که تمامی شرکت های نفتی عضو کنسرسیوم بین المللی نفت بعد از قیام نیز بظهور جداگانه و طی قراردادهای مشخص و جدا در خرید نفت از ایران موفق بودند. حتی در روزهای اول تسخیر مرکز جاسوسی آمریکا که میسران صادرات نفت خام ایران کاهش قابل ملاحظه ای داشت، دوش شرکت نفتی بریتیش پترلیوم و "شل" خریداران عمده نفت خام ایران و از سهامداران اصلی کنسرسیوم بین المللی نفت بودند. به علاوه سایر شرکت های نفتی امپریالیستی که از اعضاء کنسرسیوم بین المللی نفت بودند، بعد از قیام با برهم خوردن قرارداد کنسرسیوم و سهمیه بندی قراردادی با زهم جزو خریداران عمده نفت خام ایران باقی ماندند. این که چرا این شرکت ها بدون پرداخت بدهی های خود نفت خام از ایران دریافت داشته اند و تحویل نفت خام به آنها مشروط به حصول توافق بر سر اختلاف قبلی با آنها نشده است و این که چرا بدون دریافت مطالبات قطعی و قلی با زهم به آن شرکت ها نفت فروخته شده است و وصول آن مطالبات به مذاکره و چانه زدن انجامیده است خود از حمله مسائلی هستند که ماهیت هیئت حاکمه فعلی را در توجه به خواست های توده ها نشان می دهد. مردم مینمان می خواهند بدانند که چه کسانی و به چه صورت و برای چه بر سر ثروتشان چانه می زنند؟ دولت وقت و نزیه در مدتی که قدرت را در دست داشتند، به این سوالات پاسخی ندادند و شورای انقلاب هم که تمام اختیارات را در شرایط کنونی در دست دارد و یکی از اعضاء خود را در مقام مدیریت شرکت نفت گذارده است تاکنون بدین پرسش بهائی نداده است.

خلق قهرمان ما و به ویژه کارگران و زحمتکشان نشان داد مانده که مبارزه ضد امپریالیستی تنها به حمایت و پشتیبانی از دانشجویان مستقر در سفارت آمریکا محدود نمی شود و نباید بشود. بلکه باید بر تمام جنبه های حضور امپریالیسم (اقتصادی - سیاسی - نظامی و فرهنگی) یورش برد.

توده های تحت ستم ایران از شورای انقلاب و وزیران انتصابی آن سوال می کنند مگر آلمان غربی نزدیک تر نیست متعهد امپریالیسم آمریکا نیست؟ مگر دول امپریالیستی منافعشان از طریق شرکت های چند ملیتی به هم گره نخورده است؟ حضور نظامی آمریکا در آلمان غربی به عنوان پایگاه اصلی امپریالیسم آمریکا در اروپای غربی بهترین گواه اتحاد منفرود دول امپریالیستی می باشد. آیا با ذخیره کردن درآمدهای نفتی در آلمان غربی در واقع دوباره گلولی خود را به دست امپریالیسم آمریکائی می دهیم؟ حتما چنین است.

حالی که طرف مقابل که صاحب و خرج کننده اصلی است، جرئت وصول پول را ندارد. اگر به مبلغ فوق رقم ۴۸۹ میلیون دلار طلب شرکت ملی نفت ایران بابت نفت خام فروخته شده به اسرائیل را تا قبل از سرگونی رژیم گذشته اضافه کنیم میزان مطالبات مشکوک الوصول ما بسیار بیشتر خواهد بود.

۳- در گذشته پارهای از مذاکرات به صورت شفاهی صورت می گرفت و فقط عده معدودی از آن مطلع بودند، نفتگران می پرسند چگونه است که عناصر سرسپرده امپریالیسم آمریکا در مدیریت شرکت نفت مانند ناخ و عظیمی و فخمی و ... این حق را در گذشته و حال دارند که از زیربوم این قراردادها مطلع باشند ولی نفتگران قهرمان از این حق محروم گردند. چه کسانی این حق را برای این مهره های امپریالیسم محفوظ داشته اند و حق مسلم توده های میلیونی و نفتگران قهرمان را در مورد محتوای این قراردادها از آنها سلب نموده اند؟

معلوم نیست که چرا روابط ننگین گذشته از این دست که اشاره شد افشاء نمی شود در حالی که همکاران کنونی آقای معین فر مانند عظیمی (سرپرست امور بین المللی نفت) می توانند پاسخگوی خیلی از مسائل افشاء شده مذاکرات چند سال گذشته باشند. این مهره های امپریالیسم بودند که قراردادهای فروش نفت و سرمایه گذاری های مشترک در اسرائیل و آفریقای جنوبی را در کنار قراردادهای مشترک امنیتی و کمک های نظامی قرارداد کرده به دلیل اهمیت جهانی آن برای

توده های تحت ستم ایران از شورای انقلاب و وزیران انتصابی آن سوال می کنند مگر آلمان غربی نزدیک تر نیست متعهد امپریالیسم آمریکا نیست؟ مگر دول امپریالیستی منافعشان از طریق شرکت های چند ملیتی به هم گره نخورده است؟ حضور نظامی آمریکا در آلمان غربی به عنوان پایگاه اصلی امپریالیسم آمریکا در اروپای غربی بهترین گواه اتحاد منفرود دول امپریالیستی می باشد. آیا با ذخیره کردن درآمدهای نفتی در آلمان غربی در واقع دوباره گلولی خود را به دست امپریالیسم آمریکائی می دهیم؟ حتما چنین است.

توده های تحت ستم ایران از شورای انقلاب و وزیران انتصابی آن سوال می کنند مگر آلمان غربی نزدیک تر نیست متعهد امپریالیسم آمریکا نیست؟ مگر دول امپریالیستی منافعشان از طریق شرکت های چند ملیتی به هم گره نخورده است؟ حضور نظامی آمریکا در آلمان غربی به عنوان پایگاه اصلی امپریالیسم آمریکا در اروپای غربی بهترین گواه اتحاد منفرود دول امپریالیستی می باشد. آیا با ذخیره کردن درآمدهای نفتی در آلمان غربی در واقع دوباره گلولی خود را به دست امپریالیسم آمریکائی می دهیم؟ حتما چنین است.

رژیم گذشته همواره محرمانه نگاه داشته می شد و سعی داشتند که توافق های انجام شده در چنین مذاکراتی بر روی کاغذ منعکس نشود. ۴- توده های تحت ستم ایران می پرسند: رژیم خائن گذشته علاوه بر دریافتن انحصارات امپریالیستی در کشورمان، خود نیز از طریق شرکت ملی نفت ایران زیر کلام فریبنده سرمایه گذاری خارجی، قسمتی از مخارج امپریالیست ها را در کشورهایشان متحمل می شد. یعنی قسمتی از پول نفت دریافتی از همان شرکت های خریدار نفت باز تحت عنوان مشارکت برای اکتشاف و تولید نفت به حیب خودشان بازمی گشت مثل پروژه اکتشاف نفت در گرینلند که با مشارکت سه شرکت ساگا - بریتیش پترلیوم و شل و اورون (آمریکائی) که پس از تحمیل هزینه های معادل ۴۹۵۳۰۰۰ دلار اقدام به فسخ آن شد که فعلا با پرداخت مبلغ ۸۷۷۰۰۰ دلار کار فسخ قرارداد با گرینلند فیصله

از دست آنها پس گرفته شد. درست در هفته های اول انتصاب معین فر بود که مذاکره با هیئت نمایندگی کنسرسیوم بین المللی نفت - که البته از قبل در زمان نزیه تدارک دیده شده بود - شروع شد. لکن با گذشت مدت زمان قابل توجهی از آن تاریخ هنوز از وزیر جدید نفت و عضو شورای انقلاب، در خصوص نتیجه آن مذاکرات و یا لا اقل مبلغ و نوع مطالبات کشورمان از کنسرسیوم بین المللی نفتخوار چیزی نشنیده ایم. لایذ شورای انقلاب و وزیر نفت منتظر لشکرکشی امپریالیسم به ایران هستند. تادر مقابل آنها و تنها برای جلب حمایت

از دست آنها پس گرفته شد. درست در هفته های اول انتصاب معین فر بود که مذاکره با هیئت نمایندگی کنسرسیوم بین المللی نفت - که البته از قبل در زمان نزیه تدارک دیده شده بود - شروع شد. لکن با گذشت مدت زمان قابل توجهی از آن تاریخ هنوز از وزیر جدید نفت و عضو شورای انقلاب، در خصوص نتیجه آن مذاکرات و یا لا اقل مبلغ و نوع مطالبات کشورمان از کنسرسیوم بین المللی نفتخوار چیزی نشنیده ایم. لایذ شورای انقلاب و وزیر نفت منتظر لشکرکشی امپریالیسم به ایران هستند. تادر مقابل آنها و تنها برای جلب حمایت

از دست آنها پس گرفته شد. درست در هفته های اول انتصاب معین فر بود که مذاکره با هیئت نمایندگی کنسرسیوم بین المللی نفت - که البته از قبل در زمان نزیه تدارک دیده شده بود - شروع شد. لکن با گذشت مدت زمان قابل توجهی از آن تاریخ هنوز از وزیر جدید نفت و عضو شورای انقلاب، در خصوص نتیجه آن مذاکرات و یا لا اقل مبلغ و نوع مطالبات کشورمان از کنسرسیوم بین المللی نفتخوار چیزی نشنیده ایم. لایذ شورای انقلاب و وزیر نفت منتظر لشکرکشی امپریالیسم به ایران هستند. تادر مقابل آنها و تنها برای جلب حمایت

از دست آنها پس گرفته شد. درست در هفته های اول انتصاب معین فر بود که مذاکره با هیئت نمایندگی کنسرسیوم بین المللی نفت - که البته از قبل در زمان نزیه تدارک دیده شده بود - شروع شد. لکن با گذشت مدت زمان قابل توجهی از آن تاریخ هنوز از وزیر جدید نفت و عضو شورای انقلاب، در خصوص نتیجه آن مذاکرات و یا لا اقل مبلغ و نوع مطالبات کشورمان از کنسرسیوم بین المللی نفتخوار چیزی نشنیده ایم. لایذ شورای انقلاب و وزیر نفت منتظر لشکرکشی امپریالیسم به ایران هستند. تادر مقابل آنها و تنها برای جلب حمایت

از دست آنها پس گرفته شد. درست در هفته های اول انتصاب معین فر بود که مذاکره با هیئت نمایندگی کنسرسیوم بین المللی نفت - که البته از قبل در زمان نزیه تدارک دیده شده بود - شروع شد. لکن با گذشت مدت زمان قابل توجهی از آن تاریخ هنوز از وزیر جدید نفت و عضو شورای انقلاب، در خصوص نتیجه آن مذاکرات و یا لا اقل مبلغ و نوع مطالبات کشورمان از کنسرسیوم بین المللی نفتخوار چیزی نشنیده ایم. لایذ شورای انقلاب و وزیر نفت منتظر لشکرکشی امپریالیسم به ایران هستند. تادر مقابل آنها و تنها برای جلب حمایت

از دست آنها پس گرفته شد. درست در هفته های اول انتصاب معین فر بود که مذاکره با هیئت نمایندگی کنسرسیوم بین المللی نفت - که البته از قبل در زمان نزیه تدارک دیده شده بود - شروع شد. لکن با گذشت مدت زمان قابل توجهی از آن تاریخ هنوز از وزیر جدید نفت و عضو شورای انقلاب، در خصوص نتیجه آن مذاکرات و یا لا اقل مبلغ و نوع مطالبات کشورمان از کنسرسیوم بین المللی نفتخوار چیزی نشنیده ایم. لایذ شورای انقلاب و وزیر نفت منتظر لشکرکشی امپریالیسم به ایران هستند. تادر مقابل آنها و تنها برای جلب حمایت

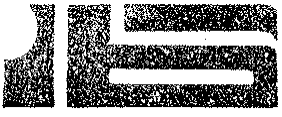
از دست آنها پس گرفته شد. درست در هفته های اول انتصاب معین فر بود که مذاکره با هیئت نمایندگی کنسرسیوم بین المللی نفت - که البته از قبل در زمان نزیه تدارک دیده شده بود - شروع شد. لکن با گذشت مدت زمان قابل توجهی از آن تاریخ هنوز از وزیر جدید نفت و عضو شورای انقلاب، در خصوص نتیجه آن مذاکرات و یا لا اقل مبلغ و نوع مطالبات کشورمان از کنسرسیوم بین المللی نفتخوار چیزی نشنیده ایم. لایذ شورای انقلاب و وزیر نفت منتظر لشکرکشی امپریالیسم به ایران هستند. تادر مقابل آنها و تنها برای جلب حمایت

از دست آنها پس گرفته شد. درست در هفته های اول انتصاب معین فر بود که مذاکره با هیئت نمایندگی کنسرسیوم بین المللی نفت - که البته از قبل در زمان نزیه تدارک دیده شده بود - شروع شد. لکن با گذشت مدت زمان قابل توجهی از آن تاریخ هنوز از وزیر جدید نفت و عضو شورای انقلاب، در خصوص نتیجه آن مذاکرات و یا لا اقل مبلغ و نوع مطالبات کشورمان از کنسرسیوم بین المللی نفتخوار چیزی نشنیده ایم. لایذ شورای انقلاب و وزیر نفت منتظر لشکرکشی امپریالیسم به ایران هستند. تادر مقابل آنها و تنها برای جلب حمایت

از دست آنها پس گرفته شد. درست در هفته های اول انتصاب معین فر بود که مذاکره با هیئت نمایندگی کنسرسیوم بین المللی نفت - که البته از قبل در زمان نزیه تدارک دیده شده بود - شروع شد. لکن با گذشت مدت زمان قابل توجهی از آن تاریخ هنوز از وزیر جدید نفت و عضو شورای انقلاب، در خصوص نتیجه آن مذاکرات و یا لا اقل مبلغ و نوع مطالبات کشورمان از کنسرسیوم بین المللی نفتخوار چیزی نشنیده ایم. لایذ شورای انقلاب و وزیر نفت منتظر لشکرکشی امپریالیسم به ایران هستند. تادر مقابل آنها و تنها برای جلب حمایت

از دست آنها پس گرفته شد. درست در هفته های اول انتصاب معین فر بود که مذاکره با هیئت نمایندگی کنسرسیوم بین المللی نفت - که البته از قبل در زمان نزیه تدارک دیده شده بود - شروع شد. لکن با گذشت مدت زمان قابل توجهی از آن تاریخ هنوز از وزیر جدید نفت و عضو شورای انقلاب، در خصوص نتیجه آن مذاکرات و یا لا اقل مبلغ و نوع مطالبات کشورمان از کنسرسیوم بین المللی نفتخوار چیزی نشنیده ایم. لایذ شورای انقلاب و وزیر نفت منتظر لشکرکشی امپریالیسم به ایران هستند. تادر مقابل آنها و تنها برای جلب حمایت

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و وابستگانش



مبارزه با امپریالیسم یعنی

افشاء و لغو قرارداد های . . .

بقیه از صفحه ۱۰

هندوستان بسیار بالا است دولت بورژوازی هندوستان با مقررات مالیاتی تازه و با انکشاف سهم عمده خود در این مشارکت همه ساله سودهای کلان به دست آمده راد هندوستان نگاه می دارد. حال این سؤال مطرح می گردد که ضرورت تحمل این مخارج برای چیست. مگر نه این است که هندوستان به نفت مایارمند است؟ ولی ما چه نیازی به داشتن سهمی از سرمایه پالایشگاه و پتروشیمی در مدرس داریم؟ اگر قراردادهای ایجاد پالایشگاه در کره جنوبی (وابسته به سرمایه های امریکائی) و سنگال (زیر بیوغ استعمار فرانسه) در نظر گرفته شود، ملاحظه می شود که امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم امریکایا واسطه قراردادن کشورهای تحت سلطه نیز منابع مارا غارت می کنند. قرارداد نکبت مار مشارکت در پالایشگاه آفریقای جنوبی و تانزانیا ۷۵۰۰۰۰۰ دلار هزینه های سرمایه های آنها در گذشته، همکاری و همدستی رژیم شاه خاش را با منفورترین رژیم های نژادپرست دنیا نشان می دهد. در مرحله کنونی نیز بسیاری از مردم میهن ما نمی دانند ما در آنجا چه داریم و تاکنون با سرمایه های خلق خود چکار کرده ایم؟ اگر تحویل نفت به آفریقای جنوبی را که طبق قرارداد باید به آنها تحویل می دادیم قطع کرده ایم سرمایه های متعلق به مردم خود را چرا خارج ننموده ایم؟ مسئولان عقدا این قراردادها هنوز هم با معین فر همکاری دارند (سرپرست کنونی بخش و فروش داخلی قباد فخمی یکی از آن عناصر است). بنابراین پاسخگویان اصلی برای افشای قرارداد های مربوط به سرمایه گذاری های خارج از کشور معین فر! شما بنام مهابت خود هرگز نمی خواهید به حای رود در روئی با نفتگران بر سر مسائل صنفی و کمک به برهم ریختن شوراهای منتخب آنها از طریق بهادادن به حضور انجمن های رنگارنگ طرفدار خویش، ضربه بر امپریالیسم را از افشای قرارداد های نفتی و فسخ یک به یک آنها و آگاه کردن مردم از تصمیماتی که اثر بعدار قیام نسبت به آنها اتخاذ شده است آغاز کنید و پاسخگوی خواست توده های به پا خاسته باشید.

۵- به جهت علت حریمات مذاکرات هیئت مامور مذاکره با طرف های دوم قرارداد های شرکت نفت ایران با امریکسن (ایپاک) - شرکت نفت ایران و اییتالیا (سیرپ) شرکت نفت بین المللی دریائی ایران (ایمنیکو) و شرکت نفت لوان (لایکو) به اطلاع مردم نمی رسد. چرا گفته نمی شود که اعضا هیئت چه کسانی هستند و خود هم گشته شان به امپریالیسم امریکاه

رژیم منحط گذشته چگونه بوده است؟ تا آنجا که چهره ها معرفی می کنند آنان همان کسانی هستند که در گذشته سال ها وظیفه چاکر ما بانه خود در مورد امضاء و اعطاء امتیازات به خارجیان را در دستگاه نفت به عهده داشتند. هنوز سایه مینا و محمد علی باغ از طریق یاران قدیمی و مهربان کنونی که به شکل شبکه ای در تار و پود دستگاه عظیم نفت تنیده شده است حکمفرما است. در این شرکت خلیجی ها و مرجانی ها و سعیدی ها و دیگران همچون کارچاق کن های قراردادهای استعماری می باشند. باید به توده ها پاسخ داده شود که اکنون مذاکره بر سر چیست؟ مگر نه این است که رئیس و سر در خواست های ایران که در مذاکرات با طرف های مشارکت مطرح می شود باید قبل از هرگونه چانه زدن و توافق بر سر چند و چون آنها به اطلاع مردم برسد؟ اگر ذخائر نفتی متعلق به مردم ایران است، پس صلاحیت دانستن محتوای قراردادها را دارد. آخرین دستوری که در زمان ریاست حسن زویه به هیئت داده شده بود برای اساس استوار بود که شرکت ملی نفت با طرف های قرارداد بر سر این نکات به توافق برسد که حضورشان به صورت مالک * ۵۰ درصد سرمایه گذاری مطرح نباشد. ولی نفت مورد نیازشان را با قیمت های قراردادی تحویل بگیرند و خدمات کارشناسان خود را به ما بفروشند. حال که مبارزه ضد امپریالیسمی وارد مرحله تازه ای شده است و دوسوم این شرکت ها امریکائی هستند، آیا هنوز مذاکره ای در جریان هست و یا شرکت ملی نفت و شورای انقلاب هنوز بر روی مواضع گذشته که اختلاف فاحش با انتظارات قیام و خواست های مردم ایران است قرار دارند؟ شرکت های خارجی طرف مشارکت طبق اطلاعات موجود مبالغی بابت نفت خام های برداشتی در سنوات قبل (قبل از قیام مردم ایران) بدهکارند که تاکنون اقدام به واریز آن نکرده اند. آنها به ترتیب:

شرکت امریکائی طرف قرارداد با مادر شرکت نفت ایران - پان آمریکا ۱۶۰ میلیون دلار چهار شرکت امریکائی طرف قرارداد با مادر شرکت نفت ایران - لوان ۶۰ میلیون دلار سه شرکت امریکائی - اییتالیا - هندی طرف قرارداد با ما در ایمنیکو ۲۶ میلیون دلار جمعاً ۲۵۶ میلیون دلار به دولت ایران بدهکارند. آیا هنوز به دنبال محمل برای ضبط اموال شرکت های امریکائی و فسخ قراردادهای اسارت بار می گردید؟

۶- طبق تصمیم شورای انقلاب و اعلام وزیر جدید نفت قرار است که بهای نفت خام فروخته شده به مارک آلمان غربی جایگزین دلار گردد و در حساب های افتتاح شده در کشور آلمان غربی وصول گردد.

توده های تحت ستم ایران از شورای انقلاب و وزیران تصاحب آن سؤال می کنند مگر آلمان غربی نزدیک ترین متحد امپریالیسم امریکانیست؟ مگر دولت امپریالیستی منافعیان از طریق شرکت های چند ملیتی به هم کره نخورده است؟ مگر نه این که در مواقع سقوط دلار در بازارهای پولی، آلمان غربی با خرید میلیاردها دلار همواره سعی در تقویت و تحکیم دلار آمریکا داشته است؟ حضور نظامی امریکای در آلمان غربی به عنوان پایگاه اصلی امپریالیسم امریکای در اروپای غربی بهترین گواه اتحاد منفور دول امپریالیستی می باشد. آیا با ذخیره کردن درآمدهای نفتی در آلمان غربی در واقع دوباره گلولی خود را به دست امپریالیسم امریکانی دهیم حتما چنین است. چرا که در بحبوحه نبرد مردم میهن ما با امریکایا اتخاذ تصمیم برای نگاهداری وجوه نفت در آلمان سرمایه های ما به مبلغ ۲۰۰ میلیون دلار در آلمان توقیف می شود. به دلیل آن که شرکت های چند ملیتی منافع امپریالیست ها را به هم گزده اند. وصول درآمدهای نفتی به مارک و ذخیره سازی در بانک های آلمان غربی، گلولی خود را به امپریالیسم سپردن است. ادامه دارد

* یک فرد مورد اعتماد اقدام به ثبت شرکتی می نماید که عملاً فعالیتی در زمینه وظایف خود طبق اساسنامه انجام نمی دهد. فقط قراردادها به اسم آن شرکت منعقد می گردد. در مورد فوق یک طرف قرارداد ایران و طرف دیگر اسرائیل بودند آن شرکت واسطه شدن نفت توسط دکتر محمد مصدق شرکت نفت انگلیسی بی بی (بریتیش پترولیوم) پیشنهاد عقد قرارداد ۵۱٪ ایران و ۴۹٪ انگلیس را ارائه کرد. آن هم برای حوزه جنوب که مورد قبول مصدق واقع نشد. در حالی که بعد از گذشت سال ها مردم ایران هنوز زیر فشار قراردادهای اسارت بار ۵۰-۵۵ قرار دارند. بر اساس قراردادهای ۵۰-۵۵ شرکت خارجی طرف قرارداد با آن که کلیه پول های پرداختی برای اکتشاف و توسعه را پس می گیرد، معهدا مالک ۵۰ درصد نفت خام تولید شده نیز می باشد که با اختیار خود و با قیمت های دلخواه به بازارهای دلخواه (اسرائیل - آفریقای جنوبی - رودزیانا) عرضه می کند. چون خود را مالک ۵۰ درصد تولید نفت می داند و در موقع پرداخت مالیات به دولت ایران قیمت های فرضی اعلان شده را که به مراتب کمتر از قیمت اصلی معامله بوده مورد محاسبه قرارداد و مالیات را این چنین پرداخت می نماید.

عقب نشینی شورای انقلاب

دربار اتحاد و پایداری نفتگران

چند ماه قبل دولت اعلام کرد ساعات کار کارگران سراسر ایران بایستی ۴۸ ساعت در هفته باشد. نفتگران مبارز که در شرایط سخت دیکتاتوری شاه مخلصوع ۴۰ ساعت کار در هفته را به عنوان حق مسلم خود به دست آورده بودند، این امریه را ضدیت آشکار با دستاوردهای مبارزات خود دانستند. شوراهای کارکنان نفت و پتروشیمی و گاز در تهران به دولت موقت اخطار کردند که در صورت عدم لغو این فرمان برای تقلیل ساعات کار در هفته

اهواز:

پس از دستگیری ۲۰ نفر از نمایندگان شورای کارخانه نورد اهواز که برای مذاکره به تهران رفته بودند، روز پنجشنبه ۵ آذر ماه ۵۸ کارگران و کارمندان این کارخانه جلوی استانداری جمع شده و خواهان آزادی نمایندگان دستگیر شده خود می شوند. اما چون از طرف مسئولین استانداری اعتنائی به خواست هایشان نمی شود، اقدام به راهپیمائی نموده و به طسرف دادستانی انقلاب واقع در منازل سازمانی حرکت می کنند. آنها در طول راهپیمائی شعار می دادند: "شورا، شورا، پیروز است . . ."

تظاهرات ضد امپریالیستی

کارگران کوره پزخانه های آذربایجان شرقی

روزیکشبه ۴ آذر ۵۸ کارگران کوره پزخانه های آذربایجان شرقی و کارگران قالیبافی زهره دست به راهپیمائی عظیمی علیه امپریالیسم امریکای کردند. کارگران در حالی که شعارهایی علیه امپریالیسم امریکای، سرمایه داران وابسته و در جهت افشای توطئه های آنها در کارخانه ها و شوراهای کارگری می دادند از باغ گلستان تبریز به طرف کنسولگری حرکت کردند. کارگران در مقابل کنسولگری سابق امریکای قطعنامه راهپیمائی را قرائت کرده

پیروزی کارگران کارخانه

آجر ماشینی قم

کارخانه آجر ماشینی در نزدیکی قم، در جاده قم - کاشان واقع شده است. حدود دوماه پیش کارگران این کارخانه تصمیم می گیرند که شورائی را تشکیل دهند تا بتوانند از طریق آن به حقوق عقب افتاده و دیگر خواست هایشان برسند. براسور کارخانه نیز نظارت داشته باشند. برای این کار از بین خودشان چند نفر را که مورد اعتماد تمام کارگران می باشند به عنوان نماینده انتخاب می کنند. نمایندگان خواست های کارگران را با کارفرما در میان می گذارند. ولی کارفرما خواست های کارگران را رد می کند. نمایندگان شورا با پشتیبانی تمام کارگران تصمیم می گیرند تا در مقابل کارفرما سرسختانه بایستند و از خواست های برحق کارگران دفاع کنند. در این رابطه به کارفرما هشدار می دهند که اگر به خواست هایشان رسیدگی نشود اعتصاب کرده و کارخانه را تعطیل می کنند. کارفرما برای مقابله با کارگران و اخراج نمایندگان آنها به کمیته متوسل می شود. کارگران از این عمل کارفرما به این مسئله پیسی می برند که به خاطر تضاد

منافعیان با کارفرما، او هیچ گاه حاضر به قبول خواست هایشان نخواهد شد و تصمیم می گیرند خود کارفرما را اخراج کنند. در پی دخالت ماموران کمیته که به حمایت از کارفرما و تهدید به شکایت اواز کارگران، به کارخانه آمده بودند کارگران دست از کار کشیده اعتصاب می کنند. اعتصاب کارگران ۲۸ روز ادامه می یابد. در این مدت کارگران با طرح شکایت خود علیه کارفرما و پس از تشکیل چند جلسه دادگاه، بالاخره کارفرما و ماهیت ضد کارگری او را افشاء کرده و از کارخانه اخراجش می کنند. در حال حاضر کارخانه توسط یک شورای ۱۸ نفری اداره می شود. برخی از اقداماتی کارخانه آجر ماشینی قم انجام شده به قرار زیر است:

- تصفیه عناصر ضد کارگرو عوامل کارفرما.
- پرداخت حقوق عقب افتاده کارگران.
- ترمیم دستگاه های کارخانه.
- سرو سامان دادن به وضع بهداشت کارخانه.
- فروش عادلانه آجر.

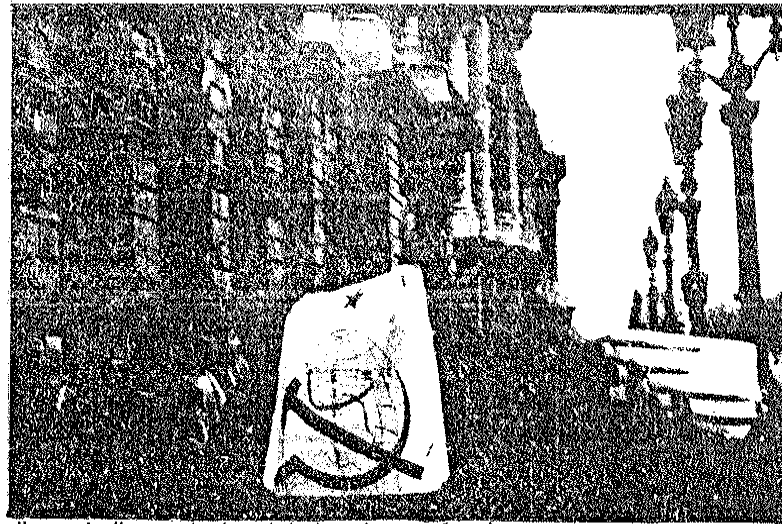
کار مسکن آزادی

آغاز محاکمات انقلابی در نیکاراگوئه

دولت انقلابی نیکاراگوئه به دوازده دادگاه بین کشور دستور داد حدود هفت هزار و پانصد زندانی از وابستگان رژیم قبلی را محاکمه کنند اینها کسانی هستند که در زمان دیکتاتوری "اناستاز ساسومورا" از منافع او حمایت می کردند و سراسر حفظ رژیم سومورا با انقلابیون

می جنگیدند. افراد گارد ملی سومورا که در گذشته به شکنجه و قتل مبارزان دست می زدند، نیز در بین این زندانیان هستند. شورای انقلاب نیکاراگوئه دختر ۲۶ ساله ای از جنبه چریکی ساندینیست را به عنوان دادستان اصلی این محاکمات انتخاب کرده

است. این دختر در سال گذشته ترتیب عملیات کشتن رئیس ستاد ارتش سومورا را داده بود. دولت انقلابی نیکاراگوئه دستور داده حقوقدانان این کشور و کالت زندانیان را به عهده گیرند.



عصر روز سه شنبه هفدهم نوامبر گروهی از هواداران سازمان در "پاریس" به هواداری از مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران دست به تظاهرات زدند و با شعارهای "مرگ بر امپریالیسم آمریکا"، "زنده باد مبارزات ضد امپریالیستی خلق ایران"، "زنده باد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" جلوی سفارت آمریکا در "پاریس" پرچم آمریکا را به آتش کشیدند.

تور آیت الله مفتوح و پاسداران را قویا محکوم می کنیم

در شرایطی که خلق های قهرمان ایران، نیروی خود را علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و طبقه سرمایه دار وابسته به آن بسیج می کند، در شرایطی که همه طبقات و اقشار خلق و همه نیروهای ترقی خواه خلق بیش از پیش ضرورت اتحاد و یکپارچگی را در مبارزه علیه

امپریالیسم آمریکا و سرمایه داری وابسته به آن در می یابند، اینگونه اعمال تروریستی به خدمت امپریالیسم و سرمایه داری وابسته به آن در می آید و در تلاش برای ایجاد اغتشاش در اذهان مردم و ایجاد تفرقه و تشتت میان صفوف خلق، به کار گرفته می شود.

سازمان چریک های فدائی خلق ایران تور آیت الله مفتوح و پاسداران دانشکده الهیات را قویا محکوم می کند و همان گونه که بارها اعلام کرده است، اینگونه اعمال تروریستی را در جهت خدمت به منافسین امپریالیسم آمریکا و سرمایه داری وابسته به آن می داند.

قسمتی از پیام دانشجویان پیشگام عضو کنفدراسیون محصلین و دانشجویان پیشگام (در خارج از کشور) به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

رفقای فدائی
امسال ۱۶ آذر "روز دانشجو" جنبش دانشجویی میهنمان آرزوی انقلابی بزرگی را در هم دوختی و هدایت رزم مشترک و زحمتکشان میهن باز یافته است و می رود تا زندگی نوین را در قالب ایرانی آزاد و دموکراتیک تحقق بخشد. این پیوند دوران ساز که بدون شک هدایت آن سازمان در تحقق نقش ارزنده ای ایفا نموده است، ما دانشجویان پیشگام خارج از کشور را بر آن می دارد که ضمن بزرگداشت خاطره دانشجویان شهید، مقام و نقش آن سازمان رزمنده پیشتاز را در سمت گیری و ارتقاء کیفیت جنبش دانشجویی آرج نهیم.

استحکام یاد پیوند جنبش دانشجویی با جنبش انقلابی خلق های ایران سرکردگی امپریالیسم آمریکا و سرمایه داران وابسته به پیروز باد مبارزات دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلق های میهنمندان در اهتزاز یاد پرچم خونین سازمان چریک های فدائی خلق ایران

کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی پیشگام (در خارج از کشور)
فرانکفورت - آذر ۱۳۵۸

حمله مسلحانه به صف تظاهرات ضد امپریالیستی

در تبریز ما موران کمیته به کمک اراذل و اوباش به راهپیمایان حمله کردند.

هواداران سازمان در لنگرود با هشیاری انقلابی توطئه های مرتجعین را خنثی کردند.

در فیروزآباد فارس، راهپیمایی ضد امپریالیستی مردم مورد یورش دستمای از عناصر مرتجع و مزدور قرار گرفت.

در شرایطی که مبارزه با امپریالیسم بیش از هر چیز به وحدت نیروها و شرکت تمام گروه ها و جریان های سیاسی در آن نیاز دارد، مرتجعین و کوتاه بینان به شیوه های گوناگون سعی در تفرقه افکنی بین صفوف مبارزان و آب ریختن به آسیاب امپریالیسم دارند. اینها حتی به تظاهرات و راهپیمایی هایی که مشخصا ضد امپریالیستی است و به خاطر نشان دادن خشم و کینه خلق نسبت به امپریالیسم برپا می شود، مسلحانه حمله می کنند و عناصر آگاهی را که قصد افشای ماهیت امپریالیسم و وابستگان داخلی اش را دارند مورد ضرب و شتم قرار می دهند. نمونه این حرکات

فاشیستی حمله به راهپیمایی های ضد امپریالیستی در تبریز و در فیروزآباد فارس و راهپیمایی شانزدهم آذر در محمودآباد و لنگرود است. به موجب خبری که در خبرنامه هواداران سازمان در فارس آمده است، روز پانزدهم آبان جوانان کوی طالقانی فیروزآباد فارس، به خاطر اعتراض به قرارداد های نظامی ایران و آمریکا، اعتراض به ملاقات بازرگان و وزیرینسکی و برای همگامی با مبارزات توده های زحمتکش علیه امپریالیسم آمریکا مردم را دعوت به یک راهپیمایی کردند. راهپیمایان که تعدادشان به سیصد نفر می رسید با شعارهای "مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل"، "ارتجاع، ارتجاع حامی

سرمایه دار، اتحاد اتحاد علیه سرمایه دار"، "مرگ بر ارتجاع، مرگ بر امپریالیسم آمریکا" و... مسیر تعیین شد. راهپیمایی می کردند. جمعیت بعد از پیچیدن چند خیابان مورد یورش دستمای از عناصر مرتجع و مزدور که توسط مقامات ارتجاعی فیروزآباد تحریک شده بودند، قرار گرفتند. این عناصر با شعار "حزب فقط حزب الله" و "مرگ بر کمونیست" به مردم حمله کردند و تظاهرات را برهم زدند. مردم با شعار "مرگ بر ارتجاع" و "ارتجاع، ارتجاع، حامی سرمایه دار" متفرق شدند.

بقیه در صفحه ۴

وزارت کشاورزی حامی زمینداران بزرگ و سرمایه داران وابسته است

دردوران رژیم شاه جنایتکار و پس از زلزله سال ۴۱ بوئین زهرا در قزوین زمین... برای سرمایه گذاری های غارتگران ایرانی، اسرائیلی و غیره در جهت استثمار هرچه بیشتر زحمتکشان در این مرحله به وجود آمد. زلزله و ویرانی، زندگی روستائیان بوئین زهرا را هرچه بیشتر به نابودی کشاند و این عامل در تشدید استثمار و حشانه سرمایه داران وابسته و زمین داران بزرگ نسبت به کشاورزان تاثیر به سزایی داشت. در این رابطه توسعه کشاورزی منطقه دشت قزوین به مهندسین مشاور اسرائیلی "تهال" سپرده شد و سازمان عمران دشت قزوین نیز تاسیس گشت.

بقیه در صفحه ۷

توضیح درباره کمکهای مالی

سازمان چریک های فدائی خلق ایران همواره تنها به حمایت مردم قهرمان ایران تکیه داشته و امروز هم مانند همیشه متکی بر پشتیبانی هواداران است.

کمک های مالی خود را از هر طریق که می شناسید و اطمینان دارید، به دست رفقای سازمان برسانید. از آنجا که نمونه هایی دیده شده است که عده ای با مقاصد مختلف با استفاده از نام سازمان به جمع آوری کمک های مالی میادرت کرده اند، به دوستان و رفقا توصیه می کنیم برای اطمینان از دریافت کمک هایشان توسط سازمان به رابط دریافت کننده پول یک عدد سه رقمی هم که خود شما انتخاب کرده اید، همراه با حرف اول نام خود به عنوان "کد" بدهید.

سازمان "کد" مورد انتخاب شما را با رقم مبلغی (به ریال) که به سازمان پرداخته اید جمع کرده و با حرف اول نام شما در نشریه "کار" به چاپ می رساند و به این ترتیب شما اطمینان خواهید یافت که کمک مالی شما به سازمان رسیده است. لازم به تذکر است که این رابطه به هیچ وجه ضمانت تشکیلاتی نداشته و هرگز نمی تواند رابطه سیاسی - تشکیلاتی تلقی گردد. ما از همه میهنان مبارزمی خواهیم با دقت کافی نسبت به این مسئله مانع از سوء استفاده عناصر فرصت طلب شویم.

کمک های مالی در بافت شده

اعداد زیر حاصل جمع کمک مالی (به ریال) با "کد" انتخاب شده است.

۱۰۰۶۱۷۴

۴۰۰۷۲۳

۲۰۰۱۳

۲۰۱۴

۵۱۲۴

۱۱۴۴۵

۳۶۱-ک

۲۸۲۷

۱۷۰۰-م

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر